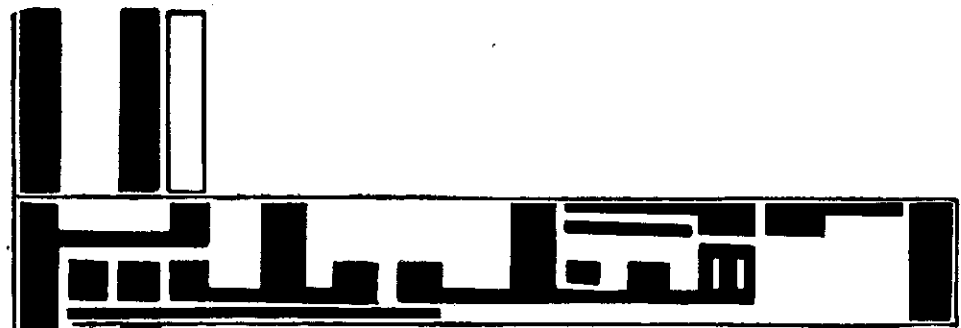


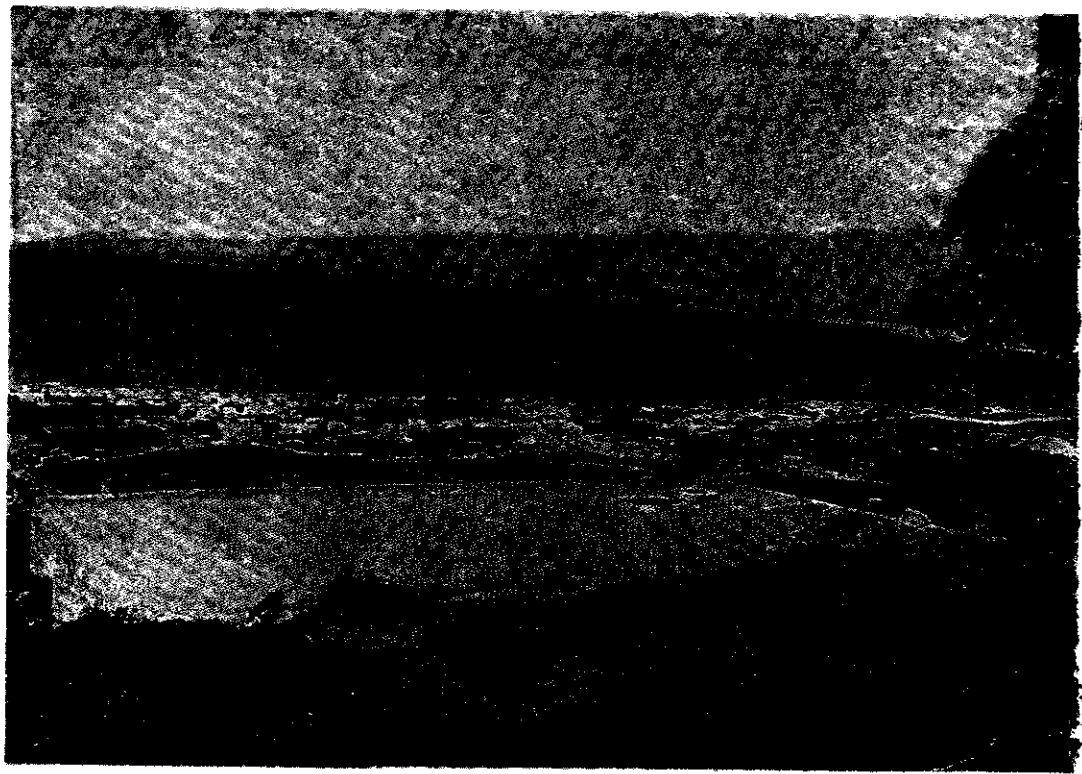
62

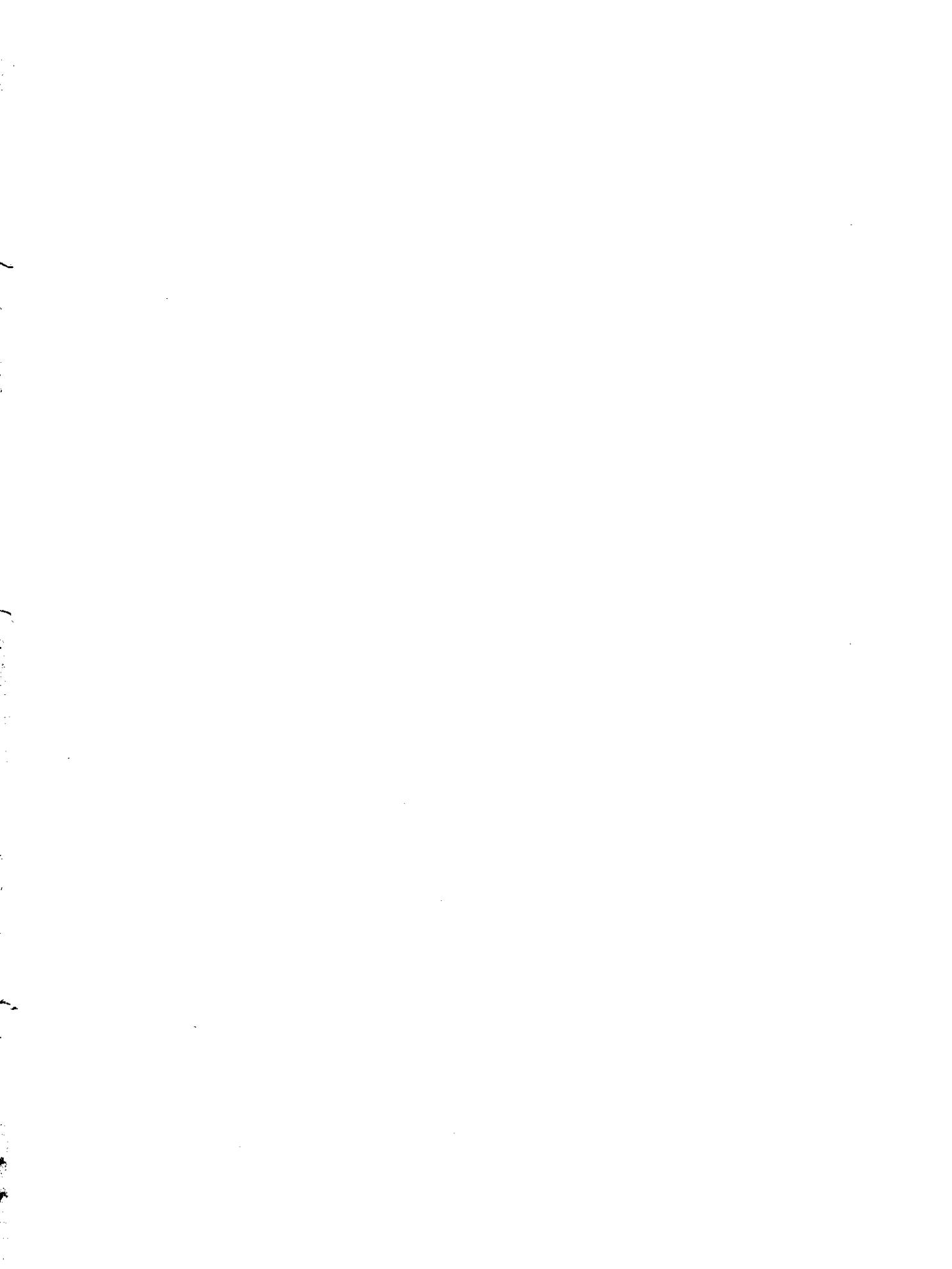


Good

11/10

Shaw





الفهرست

مخصوص جامعه بهائی است

اجتہاداً قطعاً نباید هیچ عزبئی داخل شوند و در امور سیاسی مداخله نمایند
حضرت عبدالباہ

شهر البجاء و شهر الجلال ۱۲۳ بربع

فروردین ۱۳۴۵

مارس و آوریل ۱۹۶۶

شماره ۱ سال ۲۱

شماره مسلسل ۲۲۹

فهرست مندرجات

صفحه

—

۱ — لوح مبارک حضرت عبدالباہ جل شائے

۳

۲ — سر آغاز

۵

(صالح مولوی نژاد)

۳ — وظائف اصحاب شور

۹

(دکتر محمود مجذوب)

۴ — تحری حقیقت

۱۴

(غلامرضا روحانی)

۵ — شعر (جشن نوروز)

۱۵

(زکائی بیضائی)

۶ — شعر (ایام شادمانی)

۱۶

(مهدی امین امین)

۷ — جناب حاج غلامرضا امین امین الہی

۱۹

(حشمت اشراقیان)

۸ — نامہای از فیلیپین

۲۰

(ع — صادقیان)

۹ — گفتگوئی باد و خواہر فرشته خصال

۲۴

۱۰ — صفحہ ای از یک کتاب (دلائل العرفان)

۲۵

۱۱ — عکس تاریخی

۲۹

۱۲ — نوجوانان

عکس روی جلد — منظرہ حیفا قبل از ساختمان مقام اعلی

ای یاران الهی و یاوران این عبد فانی شمس حقیقت چون از مطلع آمال فیض نامتناهی مبدول داشت و
 افق وجود بپر تو تقدیس منور گشت چنان جلوه فرمود که ظلمات دهاء مضمحل و معدوم گردید لهذا غلظت
 خاک غبطه افلاک شد و عرصه ادنی جلوه گاه ملکوت اعلی گشت نفحات قدس وزید و روائح طیبه منتشر
 شد نسائم ربیع الهی بمروار آمد و اریاح لواقح فیوضات نامتناهی از مهبت عنایت بوزید صبح نورانی
 دمید و بشارت موهبت کبری رسید نوبهار الهی در عالم امکانی خیمه و خرگاه زد ارض وجود بمرکت
 آمد و خطه شهود مهتر گشت خاک افسرده ریاض باقیه شد و ارض میته حیات ابدیه یافت گل دریا^{حان}
 عرفان روئید و سبزه نوخیز معرفه الله دمید عالم امکان مظهر فیوضات رحمن شد و حضرت شهود
 جلوه گاه غیب مکنون گردید ندای الهی بلند شد و بزم الست آراسته گشت کاس میثاق بدور آمد و
 صلاهی عمومی بلند شد قومی سر مست آن صهبای الهی شدند و گروهی محروم از آن موهبت عظمی نفوسی
 از پر تو عنایت بصرو بصیرت روشن نمودند و طائفه از نعمات احدیت بوجد و طرب آمدند مرغانه
 در گلشن تقدیس آغاز نغمه و ترانه نمودند و بلبلانی بر شاخسار گل رحمانی فریاد و فغان کردند ملک
 و ملکوت تزیین یافت و رشک بهشت برین گردید ولی هزار افسوس که خاflan هنوز در خواب غفلت گرفتار
 و بخردان از این موهبت مقدسه بیزار کوران محجوبند و کران محروم و مردگان مایوس چنانچه میفرماید
 اولئك یشوا من الآخرة كما یشوا من الکفار من اصحاب القبور شما ای یاران رحمانی بشکرانه رب و دود زبان
 گشائید و بجمد و ستایش جمال معبود بپردازید که از این کاس طهور سرمستید و از این جام صهباء پر نشئه و
 لجنذاب از نفحات قدس مشام معطر نمورید و از رائحة قمیص یوسف و فارماغ معنبر گردید شهد و فادار است
 دلبر یکنا چشیدید و مانده ابدیه را در خوان نعمت حضرت احدیت تناول نمودید این موهبت از خصائص حضرت
 رحمانیت است و این فضل وجود از نواد و عطایای رب و دود در انجیل میفرماید المدعوون کثرون و المختارون
 قلیلون یعنی امت دعوت بسیارند ولی نفوسی که بفضل و موهبت هدایت مخصص میگرددند کمیاب

سراغاز

سالی دیگر گذشت و ورقی دیگر بر عمر این نشریه افزوده شد. در این فرصت میتوانیم بار دیگر بادوستان و خوانندگان نشریه سخن گوئیم. آنچه را در سال گذشته انجام داده ایم بنمائیم، باره ای از امیدها و آرزوهائی را که برای آینده در سر می پرورانییم بر زبان آریم و برخی از توقعات و انتظارات خود را از دوستان نشریه با ایشان در میان گذاریم.

هدف کلی آهنگ بدیع آن بوده است که در عین فراهم ساختن نشریه ای مفید و جالب برای خوانندگان خود به بالا بردن سطح معلومات آنان کمک کند و آنان را در جهت اقدامات و کوششهای عمومی جامعه جهانی بهائی هدایت نماید. البته میزان تحقق این هدف امری نسبی است و بستگی به عوامل متعددی دارد که از آن میان میتوان امکانات و تسهیلات موجود در داخل جامعه بهائی ایران، موانع و مشکلات موجود در خارج آن جامعه و میزان علاقه و مشارکت خوانندگان و دوستان نشریه را نام برد.

در زمان حاضر امکانات عملی و وسائل مادی جامعه امر برای نشر نشریه ای که کمال مطلوب هیئت تحریریه و مورد پسند کامل خوانندگان باشد متأسفانه محدود بل ناچیز است. هرگاه موانع و مشکلات خارجی را نیز که در گذشته گاه در نهایت شدت بروز نموده و مانع نشر و توزیع مرتب آهنگ بدیع شده است بر این دسته عوامل اضافه کنیم شاید موفقیت نسبی که در سال گذشته به دست آمده خوشنودمان سازد اما این مقدار بیشرفت به هیچ عنوان کافی و رضایت بخش نیست. تأثیر متقابل این عوامل بر یکدیگر بطوری است که شاید تا تحصیل استقلال و رسمیت آئین نازنین الهی در مهند آن وضع نشریه کم و بیش بهمین صورت باقی بماند و گاه بهتر و زمانی بدتر شود.

در این میان آنچه ما را دلخوش می دارد و ضامن بقا و بیشرفت آهنگ بدیع است تنها علاقه و همکاری خوانندگان و دوستان نشریه در تهیه مطالب و ارزش یابی خوب و بدان است آهنگ بدیع تنها نشریه غیر خبری اولین و بزرگترین جامعه بهائی دنیا است و به همین

آهنگ بدیع

دلیل نمیتواند تنها آثار و افکار عده - معدودی از نویسندگان این جامعه را در خود منعکس سازد و صرفاً بر دوش جمعی کوچک از خادمان این آئین نازنین در سر زمین ایران استوار باشد . نظری سطحی بر عدد نفوسی که در سال گذشته با ارسال مقالات و دیگر آثار خود با آهنگ بدیع همکاری کرده اند و نام آنها در فهرست عمومی سال قبل آمده است به خوبی این مطلب را روشن می سازد که در صورت همکاری عده بیشتری از نویسندگان و دانشمندان ارجمند کسبه خوشبختانه تعدادشان در جامعه ما گشیر است آهنگ بدیع میتواند با مطالبی بسیار جالب و مفید تر و مطلوب تر انتشار یابد .

دوستان عزیز خوب و بد این نشریه از آن شما و به نام شماست ، با ما همکاری کنید و ما ما سخن بگوئید ، هیچ نشریه ای نمی تواند بدون اطلاع از نظر خوانندگان خود در باره مطالبی که منتشر می سازد وضع خود را بهبود بخشد و به پیشرفتی قابل ملاحظه نائل آید . بار دیگر صمیمانه از شما دعوت میکنیم که مطالب نشریه را دقیقاً مطالعه و نقد و ارزش یابی کنید و عقاید و نظرات خود را در باره آنها با ما در میان گذارید . باشد که در بر تو این اظهار نظرها هیئت تحریریه بتواند راهی را که باید دنبال کند بهتر تشخیص دهد .

در پایان این مقال شاید ذکر یکی دو فقره از موفقیتهایی که در سال گذشته حاصل آمده است بی مورد نباشد . در این سال یکی از آرزوهای دیرین هیئت تحریریه در زمینه نشر مطالبی متناسب ذوق و علاقه نوجوانان عزیز بهائی جامعه عمل پوشید و بخشی جدید برای این دسته از خوانندگان در آهنگ بدیع گشوده شد که مورد استقبال و استفاده نوجوانان عزیز واقع گشت . قصد ما آنست که با توسعه و تکامل تدریجی این بخش سر انجام بتوانیم نشریه ای مستقل برای نوجوانان عزیز بهائی منتشر سازیم .

اقدام جدید دیگری که در سال گذشته انجام شده تشکیل انجمنی به نام انجمن نویسندگان آهنگ بدیع است که بر اساس نظامنامه ای خاص در طهران تأسیس و در سال تشکیلاتی جاری افتتاح خواهد شد . در این انجمن جمعی از همکاران فاضل و نویسندگان ارجمند به دعوت هیئت تحریریه آهنگ بدیع عضویت خواهند داشت و ضمن تبادل آراء و افکار و بهره ور شدن از ذوق و قریحه یکدیگر مطالبی جالب و سودمند نیز برای درج در نشریه فراهم خواهند آورد .

قدر مسلم آنکه هیئت تحریریه به نظر خود راهی به سوی کمال در پیش گرفته است و به یاری دوستان خود آنرا تا وصول به مقصد نهائی دنبال خواهد کرد .

” هیئت تحریریه آهنگ بدیع ”

××× ××× ×××
××× ××× ×××
××× ××× ×××

وظائف اصحاب شور

صالح مولوی شاد

" اول وظیفہ اصحاب شور خلوص نیت و نورانیت
حقیقت و انقطاع از ماسوی اللہ و انجذاب بہ
نفحات اللہ و خضوع و خشوع بین احباب و صبر
و تحمل بر بلا و بندگی عتبہ " سامیہ الہیہ
است و چون باین صفات موفق و موہو یگر دند
نصرت ملکوت غیب ابہی احاطہ نماید .
(حضرت عبد البہا)

مقدمہ

در نصوص مبارکہ منظور از اصحاب شور اعضای محافل مقدسہ روحانیہ اند و بطور ^{عموم} میتوان این عنوان را شامل ہمہ
کسانی دانست کہ بہ نحوی از انحاء در تشکیلات اداری بہائی قائم بہ خدمت میباشند .
در ہر محل جمیع امور روحانی احباب بہ محفل مقدس روحانی آن محل محول است و این مرکز جلیل
عند اللزوم اجرای بعضی از وظائف خود را بہ لجنہ ہا و ہیئت ہای مختلفہ محول میکند . بنابراین اصطلاح
اصحاب شور بطور عام بر ہمہ افرادی کہ در این موہو سسات قائم بخدمتند اطلاق میشود .
افرادی کہ در این مشروعات و تأسیسات عہدہ دار اجرای وظائف خاصہ مقدسہ خویشند بشرط اتصاف
بہ صفات روحانی و اخلاقی و رعایت مبادی اداری بہائی در جمیع امور موہو ید بامدادات و عنایات لاریبیہ
الہیہ اند و ہدایت حق جل جلالہ رہبر و راہنمای آنان در حل و فصل مشکلات و مسائل خلق است .
این تشکیلات مجاری فیض الہی و تنہا واسطہ فیوضات نامتناہیہ الہیہ جہت کافہ انانند . حضرت
ولی مقدس امراللہ ارواحنا لعنایاتہ الفداء در توصیف مشروعات و موہو سسات بہیہ الہیہ چنین فرمودہ اند :
قولہ الاحلی . " قوہ قدسیہ کہ در مدینہ طیبہ شیراز نقطہ بیان در سنہ " ستین بآن بشارت دادہ و در
سنہ تسع در ارض مقدسہ در زندان طہران متولد گشتہ و تصرفات اولیہ اش در مدینہ اللہ نمودار گشتہ و در

کاملتر گردد و اثرات و ثمرات آن در ترقی و تسالی
جامه، مقدسه، بهائی مشهورتر و مشخصتر
شود.

قبل از ورود به میدان خدمت

حضرت ولی عزیز امرالله که مبین و مروج نظم اداری
و مشوق و هادی افراد و اعضاء تشکیلات بدیعه
امریه بوده اند اصحاب شور را با این بیان مبارک
احلی هدایت میفرمایند:

"... نه نفر اعضای منتخبه در هر

نقطه قبل از مباشرت به انجام وظائف مقدسه

خویش رجوع به کلمات الهیه نمایند و در زیر

الواج مقدسه تفحص و تفرس نمایند و لوازم اصحاب

شور و واجبات امنای الهی و وظائف اعضای بیوت

عدل الهی را به نهایت دقت و توجه و فراغت بال

مکررا قرائت نموده اطلاع تام حاصل نمایند و هر

دم آن اوامر قطعیه و نصایح مشفقانه را بیسواد

آرند و بکوشند تا هر یک را کاملا مجری دارند" (۴)

بیان مبارک فوق نفوس را برای ورود به

میدان خدمات امریه در تشکیلات بهائی آماده

میسازد و بمنزله تعلیم اول جهت ورود در این

میدان است. بعد از این تعلیم مقدس نصائح

عالیه دیگری نیز باید مورد توجه خاص و اطاعت

اعضاء تشکیلات قرار گیرد تا از انجام خدمات

بهترین ثمرات حاصل شود.

کیفیت حضور در مجمع شور

در کتاب مستطاب اقدس این آیه مبارکه نازل قوله
تعالی:

"... و یرون کانهم یدخلون محضر الله

العلی الاعلی و یرون من لا یری و ینفخی لهم ان

یکونوا امانا الرحمن بین الامکان و کلا الله لمن

علی الارض کسها و یشاوروا فی مصالح العباد لوجه

الله کما یشاورون فی امورهم و یختاروا ما هوالمخفار

ارنی سر در سنه ثمانین چه منتهی درجه قدرت

در حقائق کائنات سر بلن و نفوذ نموده و در ایسالم

قیلست مرکز میناقی از سجن اعظم به جهان فرنگ

سرایت کرده و اقالیم غریبه را به حرکت آورده پس

از افول کوب میناقی این قوه ساریه دافعه نافذه

در مشروحات و مواسسات بهیه پیروان

خداوند یگانه لول نمود و مجسم و مشهور گشت... (۱)

اساس کار و برای امور در این تأسیسات

و تشکیلات بر مشورت استوار است مشورت را باید

عبارت از تساطی عقاید و اطلاعات در مورد مسائل

که مورد علاقه مجمع شور است دانست.

لزوم مشورت

در الواج مقدسه مکرر زیارت شده است که اهل بها

در جمیع امور و شوق به مشورت مأمور شده اند

یکی از بیانات مقدسه جمال اقدس اینجی در این

مورد چنین است. قوله تعالی:

"آسمان حکمت الهی به دو نیر روشن

و منیر است مشورت و شفقت در جمیع امور بمشورت

متمسک شوید به که اوست سراج هدایت راه

نماید و آگاهی عطا کند. كذلك یخبرکم الخبیر. انه

لهو العلیم الحکیم" (۲)

از کلك مرکز میناقی جل ذکوه و حضرت ولی امرالله

نیز بیانات متعدد در این خصوص نازل شده

است و در همه این بیانات حکمت مشورت چنین

توجیه گشته است که "آرا" نفوس متعدده البته

بهترا ز رأی واحد است" (۳)

کیفیت مشورت در تأسیسات و تشکیلات بهائی

بسیار لطیف و دقیق است و درک آن مستلزم مطالعه

و تفکر عمیق در الواج و آثار الهیه هر چه بیشتر

در بحر آیات و آثار مقدسه تعمق شود درر بهیه

نصایح الهیه بیشتر و بهتر مکشوف گردد و هر چه

عمیقتر این حقائق عالیه در دل و جان اصحاب شور

نفوذ و رسوخ کند تأییدات خداوند یگانه شاملترو

(۱) توتیع منبع نوروزی - بدیع - نقل از رساله اصول نظم اداری بهائی جمع آوری جناب علی اکبر فروتن

(۲) گنجینه حدود و احکام - نشر دم - باب ۲۸ صفحه ۲۲۵ تألیف جناب اشراقی شاعری

(۳) رجوع شونده ماخذ شماره (۲)

(۴) ماخذ شماره (۱) - اصول نظم اداری

در بیشتر هیئتهای انجمنی مذاکرات بد تقدیم
پیشنهاد، درباره موضوعی آغاز میشود و اغلب
بعلمت مبهم بودن موضوع پیشنهاد مدت زیادی
مباحثه غیرلازم به میان میآید. در صورتی که
نظامات اداری بهائی تقدیم پیشنهاد را در مرحله
سوم مذاکرات ذکر میکنند و قبل از آن دو مرحله
دیگر باید طی شود. روشن شدن موضوع مخصوصا
از لحاظ انطباق آن با اصول و دستورات بهائی
و مذاکره آزاد جهت حصول وحدت نظر در فهم
موضوع که در این وقت زمینه برای تقدیم
پیشنهاد مناسب و مساعد میشود.

اگر سه مرحله اول بتمام و کمال انجام
پذیرد سایر مراحل مانند تأیید پیشنهاد، تقدیم
پیشنهاد اصلاحی در صورت لزوم، اظهار نظرات
موافق و ناهموافق و بالاخره اخذ رأی بنحوی
مطلوب ادامه خواهد یافت. در طی این مراحل
مرحله بحث آزاد درباره موضوع که سبب وقوف
کامل همه اعضا بر موضوع مورد بحث میشود
حائز اهمیت مخصوص است.

کیفیت روحانی مشورت

(خلوص نیت)

روح مشورت خلوص نیت است. اگر اساس کار بر
این اصل مقدس الهی قرار گیرد ابواب تأیید و
توفیق بر وجه اصحاب شور گشوده شود همانقدر
که نتایج حاصله از این خلق و خوی روحانی
عظیم و عزیز است انصاف به آن نیز دشوار و
مستلزم فداکاری و از خود گذشتگی بسیار. هر
فرد انسان باقتضای انسان بودن گرفتار امیال
و هوسهای مختلفه و نیرومند است. این امیال
و هوسهای گوناگون دست و پا بلکه همه اعضای
انسان را سخت مقید میسازند که رهائی از آنها
همتی مردانه و جانانه مینواهد. جمال اقدس

كذلك كنتم ركنم العزيز النصار. (آیه ۶۵)
اصحاب شور باید به این نیت مبره واقف
باشند که در هیئت های اداری بهائی حق جعل
جلاله ظاهر و بر امور ناظر است. ایشان امنای
الهی اند در نزد الهی. متمرکشان در اجسرای
امور جزوهای الهی نیست و باید در مسائل مربوط
به ارباب برهان مشاوره و مذاکره کنند که در امور
خود از قلم مرتز میثاق نیز بیانی در این باب
موجود که زیارتش سبب تسهیل بیشتر در این نکته
دقیقه خواهد بود. قوله الاحلی :

"... و اعضا در حین ورود توجه به
ملکوت الهی کنند و طلب تأیید از افق الهی و در
نهایت خلوص و وقار و وسکون و آداب در انجمن
قرار یابند." (۵)

کیفیت اداری مشورت

در نظامات اداری بهائی نحوه جریان مشورت
مفصلا مندرج است (۶) در اینجا تنها بدو مسأله
توجه میشود. یکی لزوم وحدت فکر و مقصد اهل
شور و دیگری روش صحیح آغاز مشاورات و مذاکرات.
مقررات اداری برای حصول نتایج مطلوبه
از بحث و مذاکره بسیار لازم و مؤثرند اما اگر
این مقررات با وحدت هدف و نیت روحانی
اهل شور همراه نگردند از تأثیر بازمانند. منظور
از وحدت هدف این است که اهل شور در حین
مذاکرات و مباحثات همه ناظر به یک هدف باشند
و آن پیدا کردن بهترین روش اجرای کارها و حل
معضلات و مشکلات جامعه است. این مسأله
بسیار مهم است و عامل عمده ایست برای اینکه
مذاکرات بر موازین صحیح اداری و روحانی منطبق
گردد و جریان یابد.

نحوه آغاز مذاکرات در تشکیلات اداری بهائی
اهمیت بخصوصی دارد. اگر مشاهده میشود که

(۵) مأخذ شماره (۱)

(۶) مراجعه شود به نظامات بهائی (بهائی برسیجر) صفحه ۶۱

محبت

" مصدر ایجاد محبت است " این بیان مبارک حضرت عبدالبیاء است . اعضا هر تشکیلی از تشکیلات امریه اشعار و مقاصدی واحد دارند وصول باین مقاصد جز از طریق محبت ممکن نیست . مجتمع شور میدان ظهور و جولان آرا و عقاید متفاوت و گوناگون است و مرکز تصادم آنها با یکدیگر . تنها در بر تو محبت و صمیمیت است که از این برشورد و صادم شماع حقیقت ساطع میشود . اعضا انجمن شور باین بیان مبارک از قلم حضرت عبدالبیاء مخاطب گشته اند . قونه عزیزانه :

" اول شرال محبت و الفت تام بین اعضا آن انجمن است که از بیگانگی بیزار گردند و بیگانگی حضرت پروردگار آشکار کنند . زیرا امواج یک بحرند و قطرات یک نهر نجوم یک افقند و اشعه یک شمس درختان یک بوستانند و گلهای یک گلستان " . (۸)

مکالمه حشو و زوائد نشود

باید از خدا خواست که همه را از شر مکالمات زائد حفظ فرماید شاید همین عاملی بقدر مذاکرات غیر لازم وقت و نیروی اصحاب شور را هدر ندهند هر سخن غیر لازمی را حشو گویند و زائد است ولو اینکه گفتش بظاهر خوشایند و جالب باشد منظور از بحث و مذاکره روشن شدن مسائل و مشکلات است بطوری که اعضا بتوانند تصمیم قطعی خود را در مورد موضوع مورد بحث اتخاذ کنند . هر سخنی که به حصول این نتیجه کمک کند لازم است و باید گفته شود و هر چه مربوط به موضوع مورد مذاکره نباشد و یا تکرار گفته دیگران باشد حشو است و زائد و باید از بیانش احتراز شود .

ملایمت کلام

مذاکرات اصحاب شور باید در نهایت ملاطفت و محبت باشد . این خود مشروط است بشرط

ابهی جل جلاله افراد ابیاء را جهت نیل باین صفت علیا چنین هدایت میفرمایند . قوله تعالی :
" جهد کنید تا اعمال از غبار ریا و کدورت نفس و هوی پاک شود و بسامت عز قبول در آید (۹)
بموجب این تعلیم حق سعی و مجاهده راه حصول خلوص نیت است .

انقطاع از ما سوی الله

انتهاج توجه صرف به خداوند است و قطع علاقه و دل بستگی از هر چه و هر که غیر اوست . در حین مذاکرات و مشاورات باید سعی نمود که عوامل مادی و علائق دنیوی سد راه وصول به حقیقت نگردد . فکر و زور باید متوجه حق باشد و سخن در راه او و بخاطر او گفته شود . بدیهی است وقتی اصحاب شور خود را در معرض حق مشاهده کنند سخنی بر خلاف حق و رضای او بر زبان جاری نسازند .

خضوع و خشوع

افتخار خدمت در این دور مقدس تاج و هاجی است که بر تارک مخلصین و محبین حق قرار میگیرد لذا هر که از این افتخار نصیبی بیشتر دارد باید مسرود بندگان جمال قدم و اسم اعظم شاشعتر و خاضعتر باشد .

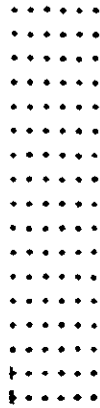
صبر و تحمل بر بلا

هر که در این بنم مقرب تر است جام بلا بیشترش میدهند آنانکه در میدان خدمت برودن گوی افتخار مشغولند از تیر جفای معاندین و مخالفین در امان نخواهند بود . تاریخ امر مشحون است از امثال و شواهدی که همیشه خادمین جامعه بیشتر از دیگران و زودتر هدف بلا یا و آزار قرار میگرفته اند لذا هر که دامن همت بر کمر میزند و قدم در میدان خدمت پیش مینهد باید خود را آماده تحمل هر بلا کند .

تخری حقیقت

دکتر محمود مجذوب

" اول تعلیم حضرت بهاء الله تخری حقیقت
است باید انسان تخری حقیقت کند و از تقالید
دست بکشد زیرا ملل عالم هر یک تقالیدی
دارند و تقالید مختلف است و اختلاف تقالید
سبب جنگ و جدال شده است و تا این
تقالید باقی است وحدت عالم انسانی
مستحیل است. " (حضرت عبدالبهاء)



خوانندگان عزیز و گرامی یکی از مهترین و اساسی ترین تعالیم و مبادی این ظهور مبارک که در اکثر
الواح و آثار نازله از قلم اعلی و کلک اطهر مرکز میناق بیان اشاره شده لزوم تخری حقیقت و ترک تقالید جاهلانه
میباشد و بر طبق نصوص مبارکه فرد بهائی باید به تحقیق و تخری در جمیع امور بخصوص مسائل و حقایق
روحانی و دینی پرداخته بعد عقل و ادراک خداداد و بدون حب و بغض و تقلید و متابعت کورکورانه از دیگران
یا ابا و اجداد خویش به کشف حقیقت پردازد و خود را به طراز صفات و شرایط محقق و متخری حقیقی مزین
دارد در این مقال مطالب مربوط به این تعلیم اساسی را با استناد به نصوص و آثار مبارکه ضمن هفت بحث
مورد بحث و مطالعه قرار داده و امیدوار است مورد توجه و استفاده قارئین محترم قرار گیرد .

اول - معنی لغوی تقلید و تخری حقیقت

الف - تقلید - اصطلاحاً پیروی کردن از کسی است بدون تأمل و تفکر
ب - تخری - بمعنای قصد کردن یا طلب کردن و تجسس نمودن چیزی و یا طلبی است که اولی و احق باشد .
ج - حقیقت - حق و حقیقت ضد باطل و وهم و مجاز است و حقیقت هر شیئی عبارت از ذات و کنه یا ماهیت آن
شیئی است که بصفات و خواص آن شناخته میشود والا ذات شیئی مجهول است . گاهی حقیقت در مقابل موهوم
نیز استعمال میگردد . در الواح مبارکه نازله از کلک اطهر حضرت عبدالبهاء در باره معنی حقیقت و تعریف

آن این کلمات دریا، نازل شده، قوله العزیز:

"حقیقت و عدت عالم انسانی است، حقیقت
 بهت بین بشر است، حقیقت اعلان عدالت است،
 حقیقت هدایت الله است، حقیقت فرائل عالم
 انسانی است، انبیای الهی همیما خادی حقیقت
 بودند..." و نیز میفرمایند:

"حقیقت شریعت الله است، حقیقت
 هدایت الله است، حقیقت بهت الله است،
 حقیقت فیوضات الله است، حقیقت فرائل عالم
 انسانی است، حقیقت نفات روح القدس است،
 د - تحری حقیقت - مقصود از تحری حقیقت
 در هر موضوع یعنی طلب و تفحص و قصد نمودن
 حقیقت آن موضوع است خواه موضوع مربوط به
 محسوسات و جسمانیات و موجودات عالم مادی و کشف
 روابط ضروریه بین آنان باشد و یا مربوط به
 مسقولات و روحانیات و حقائق دینی و اعتقادی."

دوم - طریق تقلید و طریق تحقیق

عقاید و مسائل به دو طریق وارد ذهن و فکر انسان
 میشوند یا به طریق تقلید و یا از راه تحری و تحقیق
 وقتی نظری بحال افکار و عقاید و مسالک می افکیم
 ملاحظه می نمایم که افکار و عقاید روحانی و اجتماعی
 و فلسفی اقوام و ملل متنوعه در نهایت اختلاف و
 تعارض است و حال آنکه عقلا اگر طرقی و مسالک
 مختلفه مبتنی بر یک رشته حقائق معقوله منطقی
 بود لازم می آمد که همگی یکسان و موافق یکدیگر
 باشند زیرا در هر مورد و موضوع حقیقت واحد یکی
 است و تعدد ندارد. پس این اختلاف و تباین
 ناشی از این است که صاحبان افکار و عقاید مختلفه
 از طریق صواب منحرف شده و از تحری و تحقیق
 چشم پوشیده راه تعصب و تقلید پیش گرفته اند
 و همه اختلافات ناشی از همین روش تقلید و
 متابعت کورکورانه افراد در مسائل و امور میباشد به
 قول شاعر شیرین سخن شیراز حافظ علیه الرحمه:

جنگ افتاد و دو ملت همه را عذر نه

چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند
 ننگ دیگری که در سالسه و سیر در عالم عقاید
 و آرا، بدان توجه می شویم اینست که عقاید مختلفه
 بطور کلی و یا عقاید و افکار هر فردی از افراد بشر
 همواره دستخوش تغییر و تحول و دگرگونی
 و تبدل است و افراد انسانی یا ملل عالم همواره
 در نتیجه علل و عوامل مختلفه از دیدمی به دین
 دیگر و از مرام و مسلکی به مرام و مسلک دیگر
 منسلک و معتقد میگردند و این دلیل بر آنست
 که این عقاید ذاتی و فطری انسان نبوده و لذا
 قابل تغییر و ترقی و تکامل میباشند. اما این تغییر
 و تبدل ممکن است به دو طریق صورت گیرد یا
 از طریق تقلید و یا از طریق تحقیق یعنی انسان
 ممکن است عقاید اولیه و سپس ثانویه خود را در
 اثر تقلید تحصیل کند بنابراین اکثری از مردم در
 این طریق سالکند و حدیث معروف اسلامی نیز
 مؤید این قول است که میفرماید:

"کل مولود یولد علی الفطرة ثم ابواه
 یهودانه او یمجسانه او ینصرانه." (یعنی هر
 مولودی بر فطرت یعنی لبع سلیم و معرفت جو
 متولد میشود ولی بواسطه تقلید از پدر و مادر
 و تحت تأثیر محیط و جامعه یهودی و یا مجوسی
 و یا نصرانی میشود.)

اما طریق دوم طریق تحری و تحقیق
 است که دارای ارزش و مقام بوده و آدمی را به
 حقیقت واقع سوق میدهد و اطمینان خاطر میبخشد
 و باعث ظهور و بروز کمالات و فضائل انسانی
 میشود و اگر همه افراد عقاید و افکار خود را از این
 طریق تحصیل نمایند و دست از تقلید جاهلانه
 و تبعیت کورکورانه بردارند شکی نیست که وحدت
 عقول و افکار و عقاید و وجدان در انجمن نوع
 انسان چهره خواهد گشود و اختلافات موجوده
 که ناشی از تقلید و تعصب و سوء تفاهات است

رفع خواهد شد. هر چند ما اهل بیا، مستندیم که آدمی باید در جمیع مسائل و مواضع به جبل تحری و تحقیق متمسک شود و لکن در رتبه اولی اهمیت و ارزش تحری حقیقت متوجه مسائل و حقایق که سعادت و آسایش جسمانی و روحانی و رستگاری دنیوی و اخروی ما منوط و مربوط به آنست میباشد و آن عبارت از تحری و مجاهدت در سبیل عرفان الهی و مآثر مقدسه و بر میان روحانی عالم انسانی در هر دور و زمان است زیرا آدمی تا به مبداء و منتهای شود و حکمت خلقت و وظیفه خویش در این تنگنای عالم مادی و علت و کیفیت تحلیل و انتقال به عوالم بعد و پیچونگی سیر و تکامل خود در عوالم لا یتناهی الهی پی نبرد در عرصه افکار و عقاید متنوعه مختلفه سرگردان میشود و در میدان عمل به تکالیف خود حیران میماند و بی بردن بایستن حقایق برای افراد بشر جز از طریق شناسائی مظاهر مقدسه الهیه و تحری در اساس ادیان الهیه و تحقیق در علم و حکمت به اندازه استعداد و طاقات او میسر و ممکن نخواهد بود.

سوم - وجوب تحری حقیقت و مضار تقلید و

دلائل آن

اول - وقتی که کیفیت خلقت انسان را مطالعه میکنیم متوجه میگردیم که خداوند متعال علاوه بر قوای جسمانی یک سلسله قوا و استعدادات روحانی و عقلانی نیز در انسان بودیعت نهاده است و همان طور که هیچ یک از قوا و حواس جسمانی عبت و بیهود خلق نشده بلکه برای ادامه حیات آدمی لازم و ضروری هستند قوا و استعدادات روحانی و عقلانی نیز که بصرف فضل به انسان عطا شده بنا به حکمتهای بالغه الهیه به جهت منظوری معین بوده است که عبارت از کشف حقائق و طبایع اشیا و بسی بردن به مسائل عالیه معقوله بوسیله تحری و تجسس و تفکر و بالاخره وصول به مقام انسانیت میباشد اگر قرار میبود که انسان عنان افکار و عقاید خود را

بدست دیگران سپارد و مطیع و منقاد آنان شود و راه تحری و جستجو نپوید و یا صرفاً چون حیوانات فرمان غریزه را گردن نهد البته به قوای کاشفه و نیروی ابداع و اختراع احتیاجی نبود ولی هر نفسی در وجود خود وجود قوا و نیروهای عقلی و روحی و فکری را درک می کند که کاشف حقائق اشیا و مدرك مسائل معقوله است. پس حال که موهبت الهی شامل حال بشر شده و مثل اعلاى خلقت گشته و دارای چنین قوا و استعداداتی گردیده است باید که از آنها استفاده نماید و الا کفران مواهب الهی را نموده و راه تنزل و انحطاط را پیموده است.

دوم - دارا بودن عقل و شعور و اختیار و اراده یک سلسله وظائف و تکالیف روحانی و اخلاقی و اجتماعی و فردی را بر انسان تحمیل نموده و او را به جستجو و تحقیق راجع به مسائل و حقایق عالم وجود وادار مینماید و نفس سوء لیت انسان در انجام تکالیف متنوعه لزم تحری و تجسس را در جمیع امور ایجاب میکند.

سوم - عدم تحری و تحقیق و تمسک به تقلید جاهلانه و تبعیت کورکورانه باعث انحطاط فکر و روح انسان میشود و شخصیت انسانی را متزلزل میدهد و عنان اختیار و افکار آدمی را بدست دیگران میسپارد.

چهارم - چون در علل و عوامل ترقی و تعالی و تهقر و تدنی افراد یا ملل و اقوام عالم در طول تاریخ دقت نمائیم ملاحظه میکنیم نفوس و مللی که از قوای روحانیه و استعدادات خداداد حداکثر استفاده را نموده و این قوا را در راه کشف حقایق و روابط موجود در جهان هستی بکار برده اند به توفیقات عجیبه در زمینه اختراعات و اکتشافات و تأسیس مدنیت و هدایت افکار و تأمین رفاه و سعادت عمومی نائل آمده اند بالعکس نفوس و مللی که به ما کثیف تقلید قانع شده و خویش را از فیض دریای تحری و تجسس و بکار بردن قوا و استعدادات -

خود را بیان داشت باید در نهایت اشتیاقی به انتظار اظهار نظر دیگران باشد تا سایر حقایق مربوط به موضوع مورد بحث را نیز بشنوند و رأی خود را بر اساس تمام حقایقی که کسب کرده است اظهار کند. اصرار در رأی بغضله^۹ این است که از دیگران انتظار برود که از استقلال رأی و فکر خود صرف نظر کرده مطیع فردی که در رأی خویش مصر است بشوند. آیا چنین توقعی محقول است؟ ادا جایزه که نفسی تزییف رأی دیگری

نمایند .

این نکته باید همیشه مورد توجه اصحاب شور و اعضا تشکیلات امریه باشد که هر یک از اعضا در مسائل لوجه الله و با خلوص نیت بحث و مذاکره میکند لذا رأی هر کس در مقام خود محترم و با ارزش است. لازم محبت و خلوص نیت نیز احترام بشکرات و عقاید دیگران است. همانطور که هر فردی انتظار دارد همه بسخنان و آراء او بسا دقت و احترام توجه کنند دیگران نیز چنین توقعی از وی دارند. و این توقع متقابل بسیار مسقول و بجاست. بیان مبارک حضرت عبدالبهاء در این مورد بسیار شیرین و جان پرور است. قوله عزیزیانه: "تصادم افکار و مقاومت آراء در انجمن شورا سبب ظهور شعاع حقیقت است. نباید هیچیک از اعضا متکدر از مقاومت دیگری شود بلکه هر یک قول دیگری را با وجود مخالفت بودن بسا رأی خویش در کمال ادب و خلوص نیت گوش دهد و بغیاری در قلبش ننشیند..." (۱۰)

خاتمه - شرایط شمول تأیید

شرایطی که ذکر شد قسمتی از شرایط و وظائف اصحاب شور بود که در الواج الهیه مذکور است و موفقیت اصحاب شور مشروط به تحقق این شرایط

(بقیه در صفحه ۲۶)

قبل که برای روش مذاکرات اصحاب شور ذکر شد. شروط محبت و خلوص نیت. وقتی اعضا انجمن شور هم مشغول را یار و مددگار یند یگر دانستند و بدرشته های محبت و بود همه تبدیل بیک وجود شد و نیز هنگامی که اساس اصلی مشاورات بر اساس انان قرار گرفت آنوقت سخنی که ناقد روح عشق باشد در آن انجمن بمان نیاید.

سخنان محبت آمیز مؤثرتر و نافذتر است و اثراتش در مستمعین حتمی و قاطعی. سخن درشت ولو بر اساس عقل و منطقی باشد تأثیراتش جزئی و گاه بکلی نتایج منکوسر بیار میآورد. جمال اقدس ابهی این حقیقت را با این کلمات عالیه بیان میفرمایند. توله جلی جلاله:

"داناى آسمانى میفرماید گفتار درشت بجای شمشیر دیده میشود و نرم آن بجای شیر کودکان جهان از این بدانائی رسند و برتری جویند." (۹)

تحریر حقیقت کنندنه اصرار در رأی

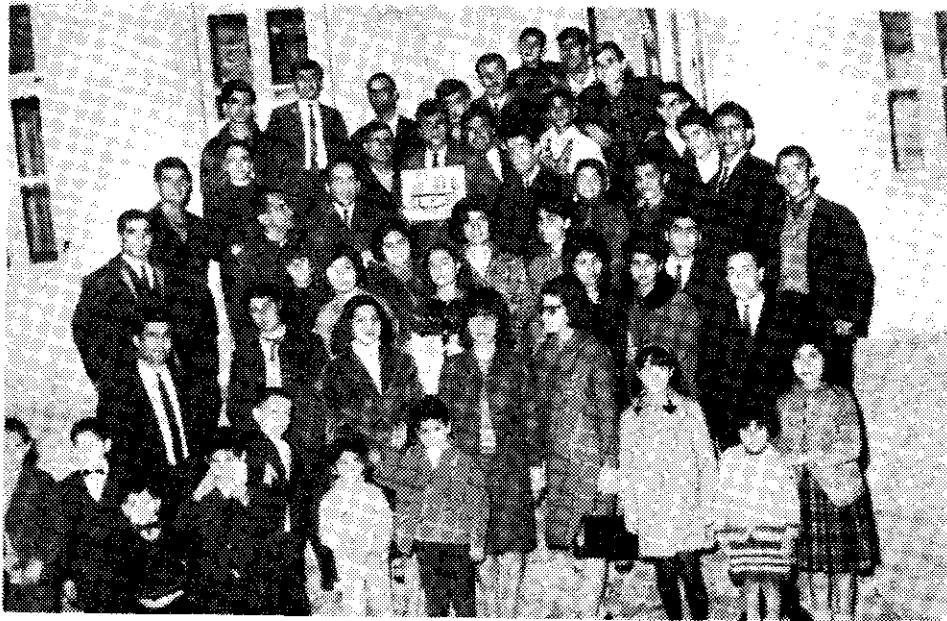
بسیار ایمنی است که اعضا انجمن شور هر یک در باره هر مسأله ای که مورد بحث قرار میگیرد نظر و عقیده ای خاص داشته باشند. این از خاصیت تفاوت افراد است که هم از نظر طبیعت و هم از نظر محیط از یکدیگر متمایز و مشخص هستند. در هنگام شور هر یک از اعضا فقط یک وظیفه برعهده دارد و آن بیان عقیده خویش بر طبق اصول شور بهائی است. هر کس باید این حقیقت را به خاطر داشته باشد که آراء جمع بهتر و صائب تر از رأی یک فرد است و همین امر علت لزوم مشورت در امور است و نیز باید متوجه بود که به هنگام مشورت هر فردی سعی دارد قسمتی از حقائق مربوط به مسأله را روشن سازد و بقیه کار بعهده دیگران است. پس هنگامی که یکی از اصحاب شور نظر

(۹) مجموعه الواج حضرت بهاء الله طبع مصر صفحه ۲۵۹

(۱۰) مأخذ شماره (۱)



احتفال ملاقاتی جوانان بهائی همدان با ایادی امرالله
جناب دکتر ورقا



جشن روز ملی جوانان بهائی رشت با شرکت چندتن از جوانان
بندر پهلوی

جشن نوروز

علاءرضا روحا

جشن نوروز جم و اول فروردین است
گیتی از مقدم نوروز بهشت آئین است
اول شهر بهاء گشیت و مهیاست جهان
عالم از جلوه حق رشک مه و پروین است
سنبل و نرگس و سوسن ز چمن سرزده باز
موسم رونق بازار گل و نسرين است
بلبلان را بسر از عشق گلی شور و توانست
گز شمیمش دو جهان یکسره عطر آگین است
بنشاطند درین جشن نفوس عالیین
راستی محفل ما جنت علیین است
بزم انس است و ثنا خوان جمال قدمیم
خوشتراز آن چه نشاط است و چه بهتر زین است
مقتبس گردد از انوار بهاء روحانی
هر که صافی دل و بادیده روشن بین است

ایام شادمانی

ذکائی رضائی

نوروز و عید روزه و شهر البها رسید
یکسو شکفت لاله و یکسو بنفشه رست
سوری گشود چهره و سوسن زبان گشود
سرخ سحر به زمزمه جاء الربیع خوانند
یک دل بجانماند که آثار صنع حق
هم تا مبارک آید نوروز و نو بهار
زان سرزمین که مہبط انوار ایزدی است
زانجا امنع اقدس نزول یافت
زانجا که نغمه های الهی بگوش دهر
زانجا که از عنایت شوقی بجان خلق
زانجا که بیت عدل الهی چو شد بی پای

از هر طرف نشاط و مسرت فرا رسید
تا از بهار مژده زیاد صبا رسید
شادان به بسماغ بلبل دستان سرا رسید
دامن کشان نسیم بهار از قفا رسید
از هر کران رسید همه دل را رسید
از ارض قدس نغمه رحمت فرا رسید
زانجا که فین حق بجهان بر رسید
صیت هو الحفش ز زمین تا سما رسید
از رنه های دلکش عبدالبها رسید
صدها نشان ز رحمت رب الوری رسید
از عرش و فرش نغمه بشمری لثار رسید

از دل برآر نغمه ذکائی در این بهار
کایام شادمانی و شکر و ثنا رسید

جناب حاج غلامرضا امین امین الهی

مهدی امین امین



جناب حاج غلامرضا امین امین الهی علیه
غفران الله و بهائیه فرزند مرحوم حاج محمد
محسن معین الضرب و سکینه بانو دختر شمس
جهان از نواده محمدشاه هندی است . مسقط
الرأس و موطن حاج محمد محسن قریه * نـور
مازندران و چندی ساکن اصفهان و در اواخر ایام
حیات مقیم طهران بوده است . حاج محمد
محسن فرزند آخوند ملا صفر علی نوری است که از
مشاهیر علمای عصر خود بشمار میرفته در جوانی به
تحصیل علوم معقول و منقول پرداخته چندی حوزه
تدریس داشته سپس قصد خانقاه کرده و در سلك
اهل طریقت مسلک شده ولی پس از چندی ترك
این طریق گفته و به تجارت مشغول گردیده است
دستی بخشنده و طبعی کریم داشته . فردی
مشرع و پاکدامن بوده و متمسکین به حیل دیانت
و تقوی را از هر مذهب و طریقت محترم و معزز
میداشته و اخیرا به حضرت حاج ابوالحسن

اردکانی امین الهی اعلی الله مقامه ارادت بی ورزیده است . حاج محمد محسن از اولین ازدواج اولاد ذکوری
بوجود نیامد و همواره از خداوند تمنی مینمود که بسری به او عنایت فرماید بعدین منظور قصد اعتکاف در حرم
حضرت رضا علیه السلام نمود مدت یک ماه در آن حرم شریف معتکف و برآز و نیاز برداخت آنگاه به اصفهان
عزیمت و رحل اقامت افکند و شعبه ئی از تجارتخانه خود را در آن شهر دائر و برقرار کرد . در اصفهان با سکینه
بانو که دختر میرزا مهدی کرمانی و ملقبه بشمس جهان بود عقد زدواج بسته و اولین شمره این اقتران فرزندان

ذکوری بود که او را غلامرضا نامیدند .

جناب حاج غلامرضا بسال ۱۲۹۵ هجری
 تعمیری در طهران قدم به عرصه وجود نهاد . در
 پانزده سالگی در التزام والد خود به کعبه
 مشرف و بسند از مراجعت در طهران بسه
 تحصیل علوم مرسومه پرداخته و نزد میرزا ابراهیم
 مقدس نوری و سید علی اکبر گلستانه و غیره تلمذ
 کرده و بالاخره به تجارت مشغول شده و در ردیف
 اعظام تجارت بشمار آمده و شهرت و عظمت مقام این
 پدر و پسر نوعی بود که ناصرالدین شاه سلطان
 مستبد تلخ را بمنزل آنان میرفته است .

جناب حاج غلامرضا بعد از مراجعت از سفر
 مکه معظمه هم و کوشش خود را در تحقق مبانی
 و اصول الهیهان مصروف داشته برای وصول بایسن
 مقصود با طوائف مختلفه و رؤء سا و پیشوایان ادیان
 و مشایخ آنان همدم و انیس شده و در سبیل
 تحری حقیقت سعی بسزا نموده تا آنکه سرانجام
 بمقصد دل و جان فائز گردید . جناب امین امین
 مکرر میفرمودند به طوائف مختلفه و بزرگان هر قوم
 محاشرو مجالس شدم و به گفتار آنان دل سپردم
 تا بعقاید و افکار یکایک ایشان کما ینبئنی و ینبئنی
 آگاهی حاصل نمودم ولیکن بعد از تحمل متاعب
 بی پایان حقیقتی نیافتم و دریافتم که اینان جز
 اجسام بی جانی نیستند و گوئی روح حیات از
 کمالبدشان رخت بر بسته است . جان و روان در
 هیچان شدید بود همچنان در آرزوی و مسؤل به
 حقیقتی بودم که قلب را آرامش بخشد و روح را از
 تألمات درونی فارغ سازد . یوهی از ایام بمشغلی
 تجارتخانه خود (میرزا جوان خان خضرائی که از
 مسویمان نزدیک حاجی بودند) رونموده از هر دری
 سخن گفتم و بالاخره او را مخاطب ساخته چنین
 بیان نمودم که تا به امروز با هر فرقه و مسلک
 و مذهبی از کلیبی و مسیحی و مسلمان و زردشتی
 و صاحب هر عقیده و ایمانی موافق شدم و از عقاید

آنان کم و بیش اطلاع پیدا کردم ولی نمیدانم
 که این بابی تا چه میگویند و اساس اعتقادات آنان
 بر چه استوار است .

جناب خضرائی که خود از متمسکین باین شریعه
 رنایه بود پس از لمحہ فی سکوت لب بسخن
 گشود و مختصری از معتقدات اهل بهاء و اینکه
 بنظهور این شریعه جدید وعود الهیه که در کتب
 و صحف آسمانی از قبل مذکور توفیق یافته بیسان
 نمود و آنگاه آیاتی از آثار مقدسه عرضت
 بهاء الله جل کبریائه تلاوت فرمود . از اصفاء
 این نغمات و ترنمات معنوی قلب به اهتزاز آمد و
 یقین حاصل نمودم که به آنره عماره از صمیم
 قلب و قواد از خداوند متعال رجا و التماس
 مینمودم فائز گردیدم گوئی دری از بوستان حقائق
 و معانی بر قلب متلاطم گشوده شد و از هزار
 گلستان معنوی مشام جان را محلر نمود . گفتم
 رفیق باید با هم به منزل برویم و امشب مشروحا
 موضوع این بحث را ادامه دهی همین کار را کردم
 و با او بمنزل رفتم و تا سپیده صبح بمباحثه
 پرداختم تا اینکه بشرف ایمان و تصدیق امر
 جمال قدم جل اسمه الاعظم نائل آمدم سپس
 به مطالعه کتب و آثار الهیه مشغله گنساب
 مستطاب ایقان و الواح سلاطین و مقاله سیاح
 پرداختم در هر کره از ا معان نظر در این کلمات
 عالیات گلشنی ملو از ازهار معانی یافتم و قلب
 پر نیجان خود را آرام دیدم و عاقبت الامر
 بفضل و عنایت حق به کیمیای سعادت جاودانسی
 که سالها در پی آن دوان بودم واصل گردیدم .
 باری هفده بهار بر گلستان عمر جناب
 حاج غلامرضا گذشته بود که بشریعه باقیسه
 رنایه وارد گردید و از حقیق بیان الهی کام دل
 و جان شیرین نمود . با ارف و وجوه احبای
 آن زمان چون ایادی امرالله جناب میرزا حسن
 ادیب و حضرت ابن اصدق شهید ابن شهید و

بمکافات که به امر رب الایات تقریر یافته آنجناب امین حقوق تسمیه گشتند که در طهران بایسن خدمت قائم باشی ."

تا سال ۱۳۰۷ شمسی که مقارن با تاریخ صعود حضرت حاج ابوالحسن اردکانی امیسن الهی است در التزام آن جوهر غلوص و انقطاع بخدمات باعمره موفق گردید و از آن زمان تا سال ۱۳۱۸ شمسی که آن نفس نفیس بطکوت عز تقدیس عروج فرمود در آتش امتحانات رخ بر افروخت و سر انجام برغضای مبارک حضرت عبدالبها و حضرت ولی امرالله فائز و نائل گردید .

جناب حاج غلامرضا ازکک اطهر مرکز مینائی به غلام البها ملقب گردید . رمز تسمیه نام آن بنده " آستان جمال ابهی به غلام البها " در صدر لوحی از الواح از قلم معجز شیم مرکز عهد و بیمان نازل گردیده و آن فانی فی سبیل الله را مخاطب ساخته میفرمایند :

" ای غلام حضرت رضا سعی کن که نور آن دلبر آفاق در جبینت اشراق نماید و غلام البها شوی " و نیز در الواح سائره نازل از کک میناق به " یا غلام البها " مخاطب شدند مختصر آنکه این پروانه بر اشتیاق که عاشق ببقرار جمال ابهی بود در تاریخ لیله اول دیماه ۱۳۱۸ بطکوت ابهی صعود فرمود و سه روز بعد از این واقعه موله تلگراف ذیل از ساحت اقدس حضرت ولی محبوب امرالله ارواحنا لرمسه الاطهر ندا به طهران مخاطب شده گردید :

بلغوا طهران

القلوب متأسفة متحسرة لفقدان آیه الثبوت والرسوخ
الرجل الرشید والركن الشدید لجامعه اهل
البها وخادمها و امینها والحافظ لکیانها و
الناشر للوائها قد ارفعه الله الی مقام تتوق الیه
افئدة الصافین فی الفردوس الابهی اللهم الله
کافة منتسبیه واعوانه و محبیه فی ذلك الاقلیم
(بقیه در صفحه ۲۸)

بنابان نیرو سینا و حضرت نعیم و اشوان عدنام
بنابان سید نصرالله و سید اسدالله باتسراف
علیهم رضوان الله وغفرانه مصاحب و معاشر گردید
و موافقت و صاحبیت آن وجودات مقدسه را منتقم
شمرد من اراد ان یأمن مع الله فلیأمن مع
احبائه و من اراد ان یسمع کلام الله فلیسمع
کلمات اصفیائه . بلافاصله حضرت ایادی امرالله
جناب ادیب شیخ تصدیق جناب حاج غلامرضا
بساحت قدس مرکز مینائی محروزم و باعزاز ایشان
لوحی از کک اطهر صادر که مطلع آن بایسن
مناجات مزین و طارز گردیده :

الهی الهی هذا قضیب نظیر طبری
ریان من فینن سبح رحمتک نایت ناشی نامی
فی ریاض احدیتک فحضر موقی مظهر مشر من
طفحات حیان رحمانیتک رب اجعله شجره
طیبه ثابته الاصل معتده الفروع الی عنان السماء
حتی تحلل بحلل المواهب و تیسر لهما کل المسأرب
ای یزدان مهربان این شمع نو افروز را در زجاجه
عنایت از گز باد حوادث امکان حفظ فرما و ایسن
پروانه بر اشتیاقی را حول سراج آفاق بسرواز ده
توئی مقتدر و توانا .

جناب حاج غلامرضا از سن ۲۲ سالگی
بساط تجارت را در هم بیچید و از جمیع شوون
عنصری و مادی چشم پوشید و مال و مال را در سبیل
جانان ایثار نمود و در اثر معاشرت و حشر و آمیزش
مداوم با حضرت حاج ابوالحسن امین الهی عملی
الله مقامه چنان بر افروخت که دقیقهئی آرام نگرفت
و شب و روز در خدمت حضرت امین بعبودیت
و بندگی آستان مقدس قائم و مداوم بود .

حضرت عبدالبها در لوحی به افتخار
جناب حاج غلامرضا میفرمایند قوله جل بیانیه :

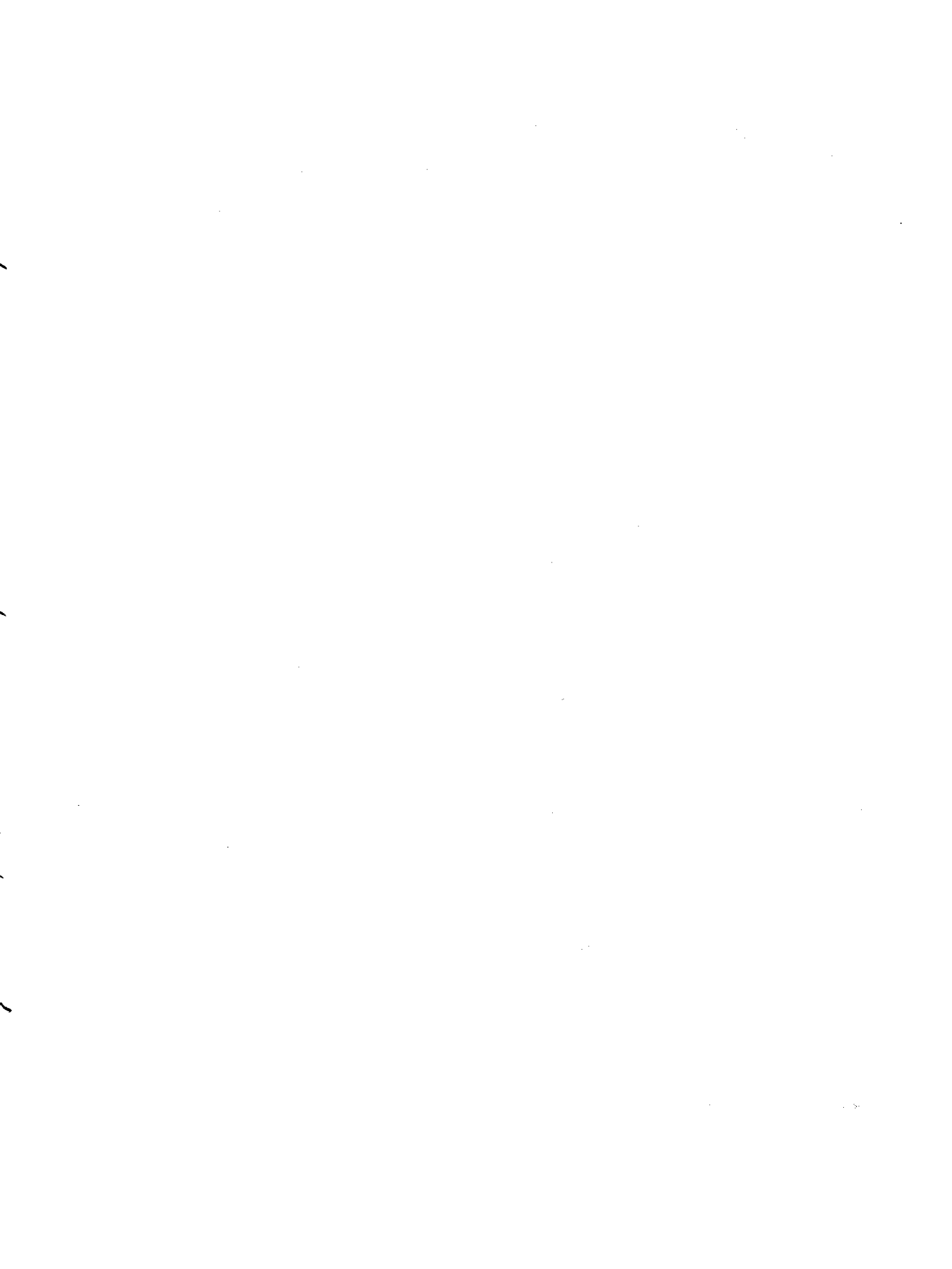
" جناب امین را مقصد چنان که ترا مانند
خود ففلس و آزاد از کم و بیش نماید لهذا با او یار
و ندیم باش و لوبی بستر و گلیم گردی و نظیر



جوانان عزیز بهائی بهنمیسر سال ۱۲۲ بدیع



جوانان بهائی شاهی سال ۱۲۲ بدیع



نامه‌ای از فیلی پین

استخراج از مرقومه خانم حمت‌الله
اشراقیان مهاجر عزیز فیلی پین

... از آتشی فشانی سوء ال نمودید در آن نواحی هنوز بهائی نداریم خیلی از ما دور است. فیلی پین خیلی بزرگ و مرکب از ۱۷۰۰ جزیره است. امروز روز انتخاب رئیس جمهور است. چند وقت است که سیاسیون سخت مشغول فعالیتند و بازار کشت و کشتار رواج است الحمد لله که احباء برکنارند هم اکنون که به نوشتن این سطور مشغولم یکی از معلمین کالج که عضو فعال یکی از احزاب سیاسی بود تقریباً دو ماه است بهائی شده نشسته و به اقدامات کسانی که در رادیو و در تلند گوه‌ای شهر پرویگانند میکنند میخندد. بازار ما هم رواج است مرتباً مبتدی و مصدق داریم. چه لذتی چه نعمتی زنده با اسم اعظم دیگر چه غمی ...

... بنا بر دعوت محفل مقدس ملی هفته گذشته به مانیلا رفتم. خانمی از مهاجرین امریکائی و خانم معاون ایادی مهماند ارمن بودند. خیلی محبت و احترام فوق العاده نمودند. روز بعد برنامه صحبت در زندان بود. ایسادی امرالله دگر مهاجر و اشراقیان هم هفته قبل از زندان دیدن کردند نمیدانم برایتان نوشته ام یا نه عده زندانیان نه هزار نفر است آنها یک محکم به مجازات سخت یا حبس ابد یا محکوم به مرگ هستند در این زندان میباشند. قریب یک سال و نیم پیش امر مبارک به داخل زندان نفوذ نمود. هم اکنون نه صد نفر بهائی در آنجا داریم. این نفوس که اغلب با هم در حال نزاع و حتی یکدیگر را می‌کشتند در ظل اسم اعظم بکلی تغییر کرده اند. دعا و مناجات میخوانند کلاسهای امری و ضیافت نوزده روزه دارند. رئیس زندان میگفت ای کاش که همه بهائی شوند تا ما از شر خلاص شویم مقامات مربوطه احترام فوق العاده به امر میگذرانند. بهائیان در سرتاسر فیلی پین آزادند که از زندان دیدن کنند. سالن بزرگی در اختیار بهائیان گذاشته اند که کتابخانه و کلاسهای امری در آن تشکیل میشود. در میان این نفوس دکتر و وکیل و دانشجویان دانشگاه و غیره هستند. وارد شدن به زندان حتی برای اقوام زندانیان کار آسانی نیست. باید اجازه مخصوص از چندین محل بگیرند آنوقت از پشت میله های زندان صحبت کنند حتی کشیش های کاتولیک ولی برای بهائیان همین که در ماشین از دور گفتم بهائی آنها اجازه دادند. خلاصه پس از عبور از درهای آهنین وارد زندان و به محل زندانیان رفتم. صدای الله ایبهی از هر طرف شنیده میشدند تنه‌ها بهائی ها جمع شدند غیر بهائی ها هم آمدند. معاون ایادی پروفیسور سمنیاگو مرا معرفی نمود پس از آن شروع به صحبت کردم و ایشان ترجمه به زبان محلی مینمود برای اشخاصی که انگلیسی نمیدانستند. چندین آسایشگاه مختلف را دیدن کردیم و در هر کجا مطالبی برایشان گفتم. در محل مسلمانان مباحثه باد و ملای مسلمان که مدتی است زندانی هستند خیلی جالب بود از هفت صبح تا دو بعد از ظهر همینطور حرف زدیم نه تنه‌ها گرسنه نبودم همراهانم هیچکدام حتی زندانیان نه تنه‌ها بهائیان غیر بهائیان هم هیچکس فکر خوراک نبود همه میخواستند مطالبی بشنوند و جواب سوء الاتشان بدهم. باری بعد از صرف غذا در دستور آنجا مجدداً بازگشتیم و تا ساعت ۵ بعد از ظهر آنجا بودیم خاطرات خوش آنروز همیشه در خاطر من است.

گفتگویی با دو خواهر فرشته خصال

ع. صادقیان



از راست به چپ :

۱ - اتل رول ۲ - متصاعده الی الله جسی رول .

چندی قبل دو خواهر گرامی یعنی امة الله جسی رول (۱) و امة الله اتل رول (۲) علیهما بهاء اللسه که چند سال است در ارض اقدس بخدمت مشغولند سفری به ایران نمودند . خواهران (رول) طی این سفر به زیارت بیت مبارک شیراز و اماکن متبرکه آن مدینه طیبه و اصفهان و طهران نائل آمدند و طی جلسات عدیده با جمعی از احبباء ملاقات کردند .

خواهران (رول) در فیلادلفیا در یریسک خانواده مسیحی متولد شده اند مادرشان خانم (ماری رول) در کلیسا خدمت میکرد و از مسیحیان متمسک بشمار میرفت . وی در سال ۱۹۰۶ بوسیله خواهرش که در کراد و ساکن بود ندای الهی را بگوش جان بشنید و باین آئین نازنین مؤمن شد . (ماری رول) ایمان خود را به کشیش کلیسا اطلاع داد و دیگر بآنجا نرفت . از آن پس خانه او محل رفت و آمد احببای اولیه امریکا و نساء برجسته آن دیار از قبیل میسیس کهلر، میس مارتاروت، میسیس ماکسول الیزابت استسو و دکتر مودی و سایر خادمان امرالله گردید و جلسات و کلاسهای امری مرتباً در منزلش تشکیل میشد . خدمات (مادر رول) بحدی بود که از فم اطهر مرکز میناق (مادر اهل

(1) JESSIE .E. REVELL

(2) ETHEL . E. REVELL

۱ ایمان (۳) ملقب شد و مورد عنایات مخصوصه آن هیکل مکرم واقع گردید (۴) . دو خواهر خردسال جسمی و اتل که در آن اوقات یکی در حدود دعبسال و دیگری در حدود دوازده سال داشت در محیطی امری پرورش یافتند و در ظل مادر مهر پرور باداب و روش بهائی تربیت شدند . در سال ۱۶۱۶ حضرت مولی الوری قساره جدید را به قدم خود مزمین فرمودند این سال برای بهائی امریکائی فراموش ناشدنی است . خواهران رول ۱۳ - ۱۴ ساله بودند که هیگل اطهر به (فیلادلفیا) نزول اجلال فرمودند . این دو خواهر عزیز هنوز هم که بیش از پنجاه سال از آن ایام میگذرد وقایع آن روزهای سعادت اشتغال را بروشنی و وضوح بخاطر دارند . این دو خواهر از ایام جوانی بمادر خود تاسی نمودند و حیات خود را وقف خدمت به امرالله کردند و سالیان دراز در امریکا بمخدمات مختلفه امری مشغول و مألوف بودند در اواخر سال ۱۹۵۰ حضرت ولی امرالله طی تلگرافی آنان را به ارض اقدس احضار فرمودند آنان نیز در امتثال امر مبارک وسائل سفر را آماده کرده به ارض مقصود عزیمت نمودند . زمانی که هیگل اطهر اعضای انتصابی شورای بین المللی را انتخاب فرمودند (جسی رول) بسمت خزانه دار و (اتل رول) بسمت منشی غربی شورای انتخاب و تحت نظر مستقیم حضرت ولی امرالله به انجام وظائف محوله مشغول شدند .

این دو خواهر فرشته خصال در این دو سمت با جدیت و پشتکار بمخدمت مشغول بودند تا صعود واقع شد پس از آن از طرف هیئت مجلله ایادی امرالله افتخار پذیرائی و راهنمایی زائرین اعتبار مقدسه را یافتند و در سال ۱۹۶۴ (جسی رول) از طرف مقام منبع بیت العدل اعظم مأمور

شدند آثار انگلیسی حضرت ولی امرالله را منظم کرده برای آنها فهرستی تهیه نماید و (اتل رول) منشی گری هیئت مجلله ایادی امرالله مقیم ارض اقدس را بعهدہ گرفتند ضمناً کمافی السابق همی دو خواهر راهنمایی زائران اعتبار مقدسه و توریستها را که به ارض اقدس می آیند عهده دار میباشند در ملاقاتی که در طهران با این دو خواهر روحانی دست داد مسائلی چند مورد گفتگو قرار گرفت که ذیلان نقل میگردد :

میدانستم که خواهران رول در امریکا به زیارت حضرت عبدالبهاء نائل شده اند بدو از آنان سوهال کردم آیا ایامی را که هیگل اطهر به امریکا نزول اجلال فرمودند به یاد دارید؟ با تبسم جواب دادند چگونه ممکن است تشریف فرمائی حضرت مولی الوری را فراموش کنیم؟ بسا اینکه اکنون نزدیک ۵۴ سال از آن تاریخ میگذرد مثل اینست که آن واقعه دیروز اتفاق افتاده است حضرت عبدالبهاء در ماه جون ۱۹۱۲ بدعوت یکی از کشیش های عالی مقام (فیلادلفیا بنام (دکترگانول) بان شهر که موطن ما بود تشریف آوردند و دو روز اقامت فرمودند روزی که قرار بود هیگل اطهر بمنزل ما تشریف فرما شوند مادر ما با حرارت و سرعت و شور و شوق به تنظیم و ترتیب و ترتین منزل میپرداخت . احبای فیلادلفیا جمعی از افراد غیر بهائی در منزل ما اجتماع کرده بودند هیگل مبارک نطقی ایراد فرمودند و طی آن از مصائب و بلائی جمال مبارک و اتحاد و اتفاق احبای صحبت کردند . پس از نطقی به طبقه فوقانی منزل رفتند و کهی استراحت کردند و سپس احبای بطور انفرادی بحضور مبارک مشرف میشدند . این وقایع بقدری به وضوح در نظرمان مانده است مثل اینکه دیروز اتفاق افتاده است .

سو ال شد آیا مناظراتی از اوایل ورود خود به ارضی اقدس دارید؟

جواب بدادند موقعی که بنا به امر مبارک به ارض مقدس وارد شدیم دیدیم اشتغالات هیکل اطهر حضرت ولی امرالله و بار سنگین وظایف مختلفه ما فوق تصور است و ما باید تا میتوانیم بایشان کمک نمائیم. در همان ایام از ایران قالی‌هایی برای مفروش نمودن مقامات متبرکه خواسته بودند. هیکل اطهر مرا (جسی) مأمور ترخیص و تمرکز آنها فرمودند وقتی که قالیها در یک جا جمع شد و حاضر گردید مراتب به حضور مبارک معروض شد در محل حاضر شدند و با دقت و بصیرت عجیبی همسرکدام از فرشها را برای محل‌های مختلف از قبیل روضه مبارکه - بیت عبود - مقام اعلی و امثله تقسیم کردند.

ایشان در امور با سرعت و دقت تصمیم میگرفتند و بدون فوت وقت تصمیم خود را عملی میکردند. از این دو خواهر نیکو خصال سو ال شد: شما که مدت ۷ سال در حضور مولای محبوب به خدمت مشغول بوده و از نزدیک شاهد روحیات آن وجود نازنین بوده اید آیا میتوانید شمه‌ای از صفات و خصوصیات ایشان را بیان نمائید؟

در حالی که آهی عمیق میکشیدند جواب دادند: هیچکس بد رستی نمیتواند با قلم و بیان خود صفات و خصائص ممتاز و بی نظیر هیکل اطهر را مجسم کند مگر بفرآخور استمداد و ظرفیت خویش.

حضرت ولی امرالله بعضی اوقات فوق العاده سرور و بشاش بودند و آن مواقعی بود که تلگرافی یا نامه‌ای حاکی از پیشرفت و تقدم امرالله در گوشه‌ای از جهان رسیده باشد. بیانشان بقدری نافذ صریح و مهیمن بود که بی تردید در شونده اثر میکرد. در عین قدرت و هیمنه محبت و فنا و خضوع و خشوعی داشتند که تصور آنرا نمیتوان نمود. وقتی احبای الهی بحضور مبارک مشرف میشدند مسحور و

مبهوت عظمت و قار و قدرت هیکل اطهر میگرددند و یارای تکلم نداشتند ولی عنایات و رفتار آنحضرت طوری بود که پس از اندک زمانی احبای خود را در خانه خویش احساس میکردند و در کمال آرامش و سرور و شغف از محضر انور کسب فیض مینمودند. از کار و حرفه و زندگی خصوصی احبای سو ال میفرمودند هر کس غمی داشت بمحض تشرف بحضور مبارک فراموش میکرد و حزن او بمدل به سرور میگردد. توجه مخصوصی به زائرین نداشتند و آنان را فوق العاده عزیز میداشتند با یک یک آنان دست میدادند و چون مهربان‌ترین میزبانان از میهمانان خود پذیرائی میکردند. به احبای میفرمودند شما برای دیدن من نیامده اید برای زیارت اعتبار مقدسه آمده اید که کسب فیوضات روحانیه کنید و با این نیروی جدید روحانی بممالک خود رجوع نمائید همیشه توجه احبای را از افراد به تشکیلات و موسسات امریه معطوف میداشتند و آگاهی و محویت عجیبی داشتند یکی از صفات مشخصه هیکل مبارک همین فراموش کردن و انکار کردن مصلحتی خودشان بود همانطور که در مناجات مسروقی که پس از صعود حضرت مولی الوری فرموده اند "تودانی که نام و نشانی بعد از تو ننوائیم...". بعد از صعود حضرت عبدالبهاء و تعهد مسوولیت ولایت امر واقعاً خود را فراموش کردند. هیچگاه نمیفرمودند (من اینکار را کردم) بلکه همیشه میفرمودند (احبای چنین و چنان کردند).

وجوهاتی که از احبای میرسید صرف تعمیر و ساختن اماکن متبرکه و خرید موقوفات امریه و توسعه مشروعات بهائی در شرق و غرب عالم میگرددند.

خانم (جسی رول) گفت من که چند سال خزانة دار شورای بین‌المللی بهائی بودم و با امور مالی سروکار داشتم این نکته را بخوبی دریافتم که هیکل مبارک وجوه واصله را با نهایت دقت

جواب دادند که چند سال است مأمور پذیرائی از زائران اعیان مقدسه هستیم خاطرات شیرینی داریم از جمله اینکه یکروز برای یکی از زائرین ایرانی جای آوردیم ایشان پس از اینکه جای خود را نوشیدند سوء ال کردم آیا باز هم میل دارید؟
جواب دادند: (کافی)

من که زبان فارسی نمیدانستم فکر کردم ایشان (قهوه) که تلفظ آن به انگلیسی (کافی COFFEE) است میخواهند پیش خود تعجب کردم که چرا احبای ایران جای و قهوه را با هم صرف میکنند... بهر حال رفتم و برای ایشان قهوه حاضر کردم و آوردم ولی بعدا فهمیدم اشتباه کرده ام و آن میهمان ایرانی قهوه نمی خواسته بلکه گفته بسود است (کافی است) یعنی (بس است) از ایشان سوء ال شد حالا که به ارزش اقدس مراجعت میکنید چه خاطره جالبی از ایران باخود میبرید؟
این دو خواهر عزیز جواب دادند خاطرات فراوانی از این سفر داریم که هیچگاه فراموش نمیکیم از جمله زیارت بیت الله الاکرم و اماکن متبرکه دیگر و مرقد سلطان الشهداء و محبوب الشهداء و میسیس کهلر در اصفهان و شرکت در مدرسه تابستانه طهران و ملاقات با احبای عزیز ایران میهمان نوازی میزبانان عزیز فراموش ناشدنی است . در پایان ملاقات این دو میهمان گرامی تقاضا کردند اشواق و تحیات مشتاقانه آنان را به عموم احبای ایران برسانیم و یاد آور شویم که اعضای بیت العدل اعظم مشتاقند عموم افراد احبای در نقشه نه ساله ولسو هر قدر کوچک باشد شرکت کنند و اظهار امیدواری کردند که احبای عزیز موطن جمالقدم که از جریان عمده نقشه ده ساله بوده اند افتخار اجرای بسیاری از اهداف نقشه منیعیه نه ساله را نیز پیدا کنند .

و صرفه جوئی مصرف میفرمودند این صرفه جوئی مانع ایسن نمیشد که برای مشروعات و تأسیسات امری که باعث اشتغال امرالله میشد در نهایت سخاوت اعانات کریمانه ای مرحمت بفرمایند و برای ایجساد هر مشروعی اول خودشان پیشقدم میشدند .
حضرت ولی امرالله بسرعت ودقت به روحیات و استعدادات احبای پی میردند و از امکانات آنان برای پیشرفت امرالله استفاده میفرمودند و به انجام خدماتی که متناسب آنها بود تشویق میکردند . بکرات میفرمودند من وسائل را خلق نمی کنم ولی اگر وسیله ای باشد بخوبی از آن میتوانم استفاده کنم . برای هداق این بیان مبارک صدها نمونه میتوانیم مثال بیاوریم . از جمله شبی یکی از خانمهای غربی بنام (مسیز فوج) به حضور مبارک مشرف بود از ایشان سوء ال کرد چگونه میتوانم در نقشه الهی شرکت کنم فرمودند بسه مهاجرت بروید برسید به کجا فرمودند به (افریقا) سوء ال کرد به کدام نقطه فرمودند به (ژوهانسبورگ) این خانم فردای آن روز به محل مزبور حرکت کرد و موفق به خدمات مهمه گردید .
وقتی دیگر جوانی به حضور مبارک مشرف بود بدون آنکه آن جوان را مستقیما مورد خطاب قرار دهند فرمودند ما احتیاج به مهاجر داریم سپس فرمودند احتیاج به مهاجر جوان داریم و پس از کمی مکث فرمودند احتیاج به مهاجر جوان مجرد داریم . آن جوان که این بیانات را می شنید فوراً متوجه شد که این شرایط با وضع او منطبق است فوراً به هجرت قیام کرد و موفق شد .
این دو نمونه و صدها نمونه دیگر نشان دهند توجه ودقت همیکل اظهار بود و بما که بندگان ضعیفی پیش نیستیم میفهماند که بفرموده مبارک میتوانیم (وسائل خوبی برای پیشرفت نقشه های الهی باشیم)
از خاطرات جالبی که از زائرین داشتند سوء ال شد

دلایل العرفان کتابی است که جناب حاج میرزا حیدر علی اصفهانی در بیان حقانیت دیانت بهائی به رشته تحریر درآورده اند . نویسنده با اشاره به این مطلب که افراد بشر در صورت وقوف به حقیقت امری آن را بد و ن تعصب می پذیرند دلائلی در اثبات جامعیت این آئین اتقان میکنند . مطالب زیرعینا از این کتاب جهت اطلاع بیشتر خوانندگان عزیز نقل میگردد .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

... اگر وحی الهی حجت است و فرمان صمدانی دلیل قاطع صاحب این امر مدعی وحی است و کتابش اعظم و اکبر و افصح و ابلغ و اعلی و محیط و مهیم بر کتب سماوی قبل است و اگر ادعا حجت است مدعی است و اگر ادعای موعود بودن حجت است مدعی است که موعود جمیع کتب و صحف و زبر و الواح و ملل و مذاهبست و هر یک را بلسان که اصطلاح دیانتی ایشان است دعوت فرموده و اگر دعوت حجت است جمیع امم را دعوت فرموده و داعی الی الله الفرد الخبیر است و علوندا و سمو دعوتش به مسامع اهل ملک و ملکوت رسیده چه کوشها که او وحشت و دهشت ندایش کر شد و چه اذان و اعیه که از لذت و بهجت امرش شنوا گردید و اگر استقامت حجت است باستقامتی قیام فرمود که ارکان عالم و قلوب امم متزعزع شد و عواصف امتحان و قواصف افتتان و منع و زجر و حبس و نفی و قتل او را از دعوت و ندا و اراده اش باز نداشت و اگر تصرف حجت است در افاق ایجاد و انفس عباد تصرف فرمود و نفوس مجرده زکیه را از هر قبیل و طائفه جذب و تسخیر نمود و اگر ترقی عباد و تربیت من فی البلاد حجت است بشأنی عباد مقبلین را ترقی داد و تهذیب فرمود که در جوهر علم و عمل و اخلاق و تقوی و انقطاع در اقل مدت مشهور ابداع شدند بقسی که گشته شدند و دفاع نفرمودند بلکه از قاتلین شفاعت نمودند و اگر تغییر و تصرف در ارکان عالم حجت است مشاهده میشود که مدارک و مشاعر کلیه خلق عالم در نهایت ترقی و علواست و اگر خوارق عادات حجت است از صاحب این امر دیده اند آنچه را که از هیچیک از مطالع قدسیه از قبیل شنیده نشده فائظروا فی الالواح و فی سور الطوک و السلاطین و اگر شارات و شهادات کتب قبل حجت است آیات و بیانات صاحب آیات و من نزل فی بیتم الایات حجت و شاهد و دلیل است و با این ترقی مشاعر و مدارک و عقنول و ظهور صنایع و فنون و غلبه اعداء و قلت احبباء و مظلومیت و مقهوریت اصحابش و منع من علی الارض ناس را از هر قبیل بجان امرش را قبول نمودند و کل یمم در از یادند امید آنکه خدا ترسی حبا لله و لعباده برخیزد و همت نماید و این اختلاف را از میان بردارد و به محبت و ایستلاف مبدل نماید ...

عکسهای تاریخی



عکسی که در این صفحه بنظر خوانندگان عزیز میرسد هیئت مدیره مجمع جوانان بهائی طهران را در سال ۱۳۱۰ شمسی نشان میدهد . مجمع جوانان بهائی طهران در اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۸ تأسیس گردیده است

ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه
ههههههه

شرح عکس :

ردیف ایستاده از راست به چپ - آقای علیمحمد خان نبیلی - آقای میراحمد صادقزاده - آقای عبدالله انور - آقای میرزا حسن خان فوادی .
ردیف نشسته از راست به چپ - آقای عبدالحسین خان نعیمی - آقای حسام الدین خان نبیلی - آقای ذکراالله خان خادم - آقای حسین خان مجیدی - آقای عزت الله خان علائی .

است لذا اگر این شرایط حصول نیابد برای اصحاب شور نیز الهامات غیبیه و تأییدات الهیه که عامل اصلیه موفقیت تکاملی در اجرای وظائف است حاصل نگردد . بیانات الهیه گواه این حقیقت است . جمالقدم فرموده اند :

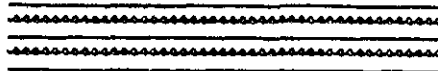
"... و اگر نفوس مذکورہ بشرایط مقررہ عامل شوند البته به عنایات خفیه موید شوند... (۱۱)

حضرت عبدالبہاء فرموده اند :

" و اگر وحدت حال و یگانگی بی ملال در میان نیابد آن جمع پریشان گردد و آن انجمن بی سر و سامان... "

و همچنین :

"... و چون به این صفات موفق گردند نصرت ملکوت غیب اہمی احاطہ نماید " و "... چون چنین گردد آن انجمن الهی است و الا سبب برودت و کورت عالم شیطانی ."



تحریر حقیقت (بقیه از صفحه ۱۱)

مودعه محروم نموده اند دچار انحطاط و تقهقر شده و بالاخرہ رھسپار دیار نیستی و فراموشی گردیده اند . پنجم - چون در علل و بواعث اختلافات و منازعات بین ملل و بیروان ادیان و مسالک مختلفہ و علت تدنی و انحطاط آنها دقت کنیم ملاحظہ می نمائیم کہ مسئلہ تقلید و تبعیت کورکورانہ از پیشوایان و رؤسای مذہبی و عدم تحریر و تحقیق در مسائل روحانی و اعتقادی یکی از بزرگترین علل این اختلافات بوده است زیرا تقالید مختلف و متدباین است و لذا ارباب تقلید هموارہ در اختلاف و نزاع بوده و میباشند حضرت عبدالبہاء در این بارہ میفرمایند قولہ العزیز :

" ملاحظہ نمائید حضرات یہود منتظر ظهور حضرت مسیح بودند و بہ جان و دل آرزو میکردند اما چون غرق در تقالید بودند چون حضرت مسیح ظاهر شد ایمان نیاوردند عاقبت بر صلب آن حضرت قیام نمودند از اینجا معلوم میشود کہ پیروی تقالید کردند زیرا اگر تحریر حقیقت میکردند البتہ بہ حضرت مسیح ایمان میآوردند این تقالید عالم انسانی را ظلمانی کردہ، این تقالید سبب حرب و قتال شدہ، این تقالید سبب بغض و عداوات گشتہ پس باید تحریر حقیقت کنیم تا از جمیع مشقات خلاص شویم و بصیرت روشن شود و بملکوت الهی راہ یابیم ."

ششم - اگر بعلل اختلافات و مناقشات بین پیشوایان ادیان و علمای علم مختلفہ و مکتشفین و بالاخرہ تفرقہ و نزاع بین دین و علم بخصوص در طول قرون وسطی دقت کنیم ملاحظہ مینمائیم کہ بزرگترین علت آن عدم توجہ رؤسای مذہبی بہ مسئلہ تحقیق و تعمیری نسبت بہ حقایق روحانیہ مندرجہ در کتب مقدسہ و توجہ صرف بہ ظواہر الفاظ بودہ است و این امر باعث شدہ کہ بخصوص در طی قرون وسطی و اندکی پس از آن ہر اکتشاف و نظریہ ای کہ با ظاہر مندرجات کتب مقدسہ وفقی نمیدادہ مورد اعتراض و انکار رؤسای مذہبی واقع شدہ و صاحب آن اکتشاف و نظریہ تکفیر و بہ حبس و حرق و اعدام محکوم گردیدہ است .

ہفتم - از نظر روحانی و دینی نیز باید توجہ داشت کہ صرف نظر از دانشمندان و فلاسفہ جہان کہ هموارہ

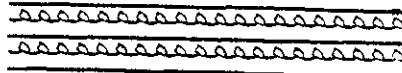


جوانان بهائی بابل - سال ۱۲۲ بدیع



لجنه جوانان زاخرد از توا بسع شیراز

انسان را به تفکر و تحریر و تجسس نسبت به کلیہ مسائل و حقائق عالم ہستی دلالت نموده اند مظاهر مقدسہ الہیہ یعنی بزرگترین مریبان روحانی و اخلاقی عالم انسانی نیز در ہر عصر و زمان بہ تأکید و تصریح پیسروان خود را از تقلید جاہلانہ نہی و ... تبعیت کورکورانہ را قدح و ذم نموده و آنان را بہ تحقیق و مجاہدہ در راہ کشف مسائل و حقایق تشویق و ترغیب نموده اند و مادر مبحث بعدی این مطلب را با استناد بہ آیات کتب مقدسہ قبل مورد مطالعہ بیشتر قرار خواهیم داد . (دنبالہ دارد)



جناب حاج غلامرضا امین امین الہی (بقیہ از صفحہ ۱۸)

الجلیل الصبر الجمیل و ایدہم علی الاقتفا اثرہ و السلوک فی منہجہ انی اشارکم فی احزانہم و ادعوا للفقید کل خیر فی کل عالم من عوالہ " (شوقی ربانی)
 - - - و نیز در توقیعی بہ افتخار محفل مقدس روحانی ملی بہائیان ایران شید اللہ ارکانہ در ذکر صعود آن رجل رشید این کلمات دریات نازل قولہ الاحلی :

" راجع بصعود حضرت امین امین علیہ بہا اللہ و رضوانہ بسیار وجود مبارک اظہار تأسف فرمودند و فرمودند بنویس: از فقدان آن وجود نا زنین و خادم امین و محبوب القلوب کافہ " مؤء ضین و آیت ثبوت و امانت و انقطاع در جامعہ پیروان این امر مبین این عبد بہ حدی متأثر کہ بوصف نیاید قلب نورانیش از ما سوی اللہ فارغ و آزاد و ساعات و دقائق حیاتش در سنین متعادیہ کل در خدمت امر اللہ و اعزاز شعائر دین اللہ و صیانت و محافظہ شریعہ اللہ و تألیف و اجتذاب قلوب احبا اللہ و رفع شرخصما و دشمنان حزب اللہ مصروف آیت ہدی بود و رایت ملاہ اعلی مقامس اعلی المقام و آثار جلیلہ مجہودات و خدماتش در سبیل محبوب انام باقی و مستدام ... طوبی لہ و لمن انقطع بکلیتہ عن الدنیا و شوہا فی سبیل ہذا الامر الاشرف الاقدس المنیع ."

و همچنین در توقیعی^{منیع} بہ اعزاز جناب مہدی امین امین فرزند آن بزرگوار چنین میفرمایند :

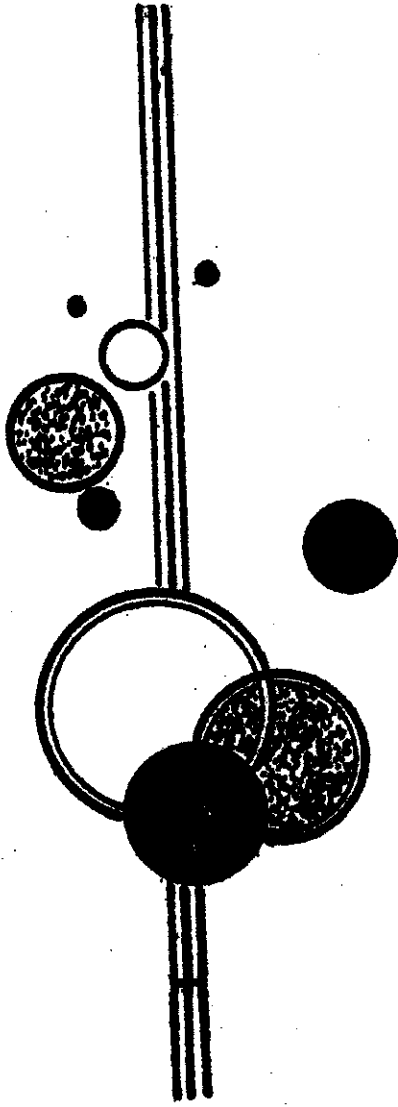
" این حادثہ غیر منتظرہ فقدان آن خادم عزیز صادقی باوفا و محبوب القلوب احبا و امین امین حضرت عبد البہا قلوب اہل بہا را در آن کشور مقدس مغموم و مہموم نمود و این عبد را متأثر و متألم ساخت در ایام مرکز میناق و همچنین در سنین عدیدہ بس از صعود مبارک آن سرور اصحاب و احباب در عاصمہ آن اقلیم بہ خدماتی باہرہ موفق گشت و زحمات و متاعب متنوعہ عدیدہ حبا للہ و خالصا لوجہہ و اعزازا لامرہ تحمل نمود و در مقابل ہذیانات محتجبین و دشمنان مغلین و فتن و انقلابات دشمنان پرکین چون سد متین و کسوف آہنین مقاومت نمود و ثابت و مستقیم ماند و منصور و مظفر بطکوت ابہی شتافت و اکلیل عزت بی منتهی بر سر نہاد . ہنیتا لہ و لکل فی سلك فی ہذا الصراط الواضح المستقیم ."

انتہی

قديم نف جوانك

مطالب اين قسمت

آثار مبارکه - سخى چند باد وستان جوان
رسالات افلاطون - سنگ تراش ژاپونى
دانستنيا



«رأسُ الأيمان»

«هُوَ الثَّقَلُ فِي الْقَوْلِ وَالتَّكْثُرُ فِي الْعَمَلِ
وَمَنْ كَانَ أَقْوَالُهُ أَزِيدَ مِنْ أَعْمَالِهِ
فَاعْلَمُوا أَنَّ عَدَمَهُ خَيْرٌ مِنْ وَجُودِهِ وَ
فَنَائِهِ أَحْسَنُ مِنْ بَقَائِهِ»

«حضرت بهاء الله»

سخن چند باد و ستان جوان

نوجوانان عزیز! پس از یکسال که از عمر قسمت نوجوانان میگذرد این اولین باریست که از زبان این طفل یکساله با شما سخن میگوئیم و در دلدل می‌کنیم. از آنجا که این قسمت از آن شما و مخصوص شماست جا دارد که در خصوص هر مطلب و هر گوشه اش نظر شما را بپرسیم و عقاید شما را بدانیم و تا جای ممکن آنها را در این قسمت منعکس کنیم. باشد که این قسمت آنطور که بایسد و شاید معرف ذوق و سلیقه و روحیه زنده و جوان و طراوت و تازگی شما گلهای نوشکنه جامعه بهائی بشود و طریقی باشد برای مغربی و جلوه ذوقها و سلیقه ها و استعداد های شما و وسیله ای برای ما که بتوانیم مطالب را طوری تهیه کنیم که شمارا خوشوقت و خشنود دارد و در مسیر زندگی بکارتان آید.

خلاصه اینکه نهایت بی کوششیم تا هرچه بیشتر مطالبی جالب و شیرین و مفید و آموزنده جمع آوری کرده در اختیارتان بگذاریم و این نشریه را هرچه بیشتر پایه نشریه مطلوب جامعه نوجوانان بهائی برسانیم. حال آیا تصور میکنید بدون کمک و همکاری شما ما بتوانیم این وظیفه را بانجام برسانیم و حق مطلب را ادا کنیم؟ فکر نمی کنید بسیاری مطالب نا گفته می ماند و طبیی کمک شما هر چند هم که موفق باشیم جمعی کوچک و محدودیم؟

پس از فرد فرد شما عزیزان بی خواهیم که در تهیه مطالب قسمت نوجوانان با ما همکاری کنید و در واقع اعضای غیر رسمی تشکیلات آن باشید.

برای ما بنویسید به نظر شما این قسمت بهتر است بچه صورت باشد. فکر میکنید چه نوع مطالبی شایسته است در آن درج شود و شما بعنوان يك همکار علاقمند چه کمکهایی میتوانید بکنید ما از مجموع نظرات و همکاریهای شما کمک گرفته صورتی شایسته باین قسمت میدهیم.

امید داریم که این دعوت ما را بپذیرید و با ما در تنظیم این قسمت بیش از پیش همکاری کنید و علاقمندی و تعلق خود را از هر راه که ممکن باشد نشان دهید بطوری که در شماره های بعدی همه شاهد اثرات درخشان و محسوس این همکاری و کوشش دسته جمعی جامعه نوجوانان بهائی در تهیه نشریه نوجوانان باشیم.

بهمنوان آغاز این همکاری تقاضا میکنیم برگ ضمیمه را پر کرده برای ما بفرستید.

رسالات افلاطون

افلاطون شاگرد سقراط و کسی است که در آئینه آثار و افکارش آفتاب وجود سقراط به زیباترین و روشن ترین صورت تجلی کرده چه سقراط از خود هیچ نوشته و اثری برجای نگذاشته است . عقاید افلاطون و سقراط در هم ادغام شده و رسالات افلاطون از آن بوجود آمده و لکن محققان راعقیده بر آن است که از افکار افلاطون آنچه در جوانی نوشته شده بیشتر میتوان به سقراط منتسب نمود و بتدریج هر چه سن افلاطون بالا رفته و از عهد سقراط دور شده افکار شخصی او غلبه کرده است .

آثار افلاطون را میتوان به سه دسته تقسیم کرد :

۱ - دسته اول آثار اولیه اوست افلاطون ضمن مکالماتی که در این عرصه میکند میخواهد سقراط را هر چه بهتر بشناساند و شبیهاتی را که به او نسبت داده شده رفع نماید .

۲ - دسته دوم رسالاتی است که منظور از آنها شناسائی سقراط نیست و لکن شیوه مباحثه و استهزا و روش ماماتی سقراط و تعلیمات او را نشان میدهد .

۳ - مکالمات آخر مربوط به عقاید و تعلیمات خود افلاطون است .

شیوه بیان افلاطون

افلاطون مطالب خود را به صورت مکالمه از زبان چند نفر از شخصیت های تاریخی و سیاسی و برجسته یونان شرح میدهد و جز در کتاب آخر که موسم به نوامیس است در همه رسالاتش سقراط را مرد کامل و وزنه و زین مکالمه قرار میدهد دلیل این که افلاطون رسالاتش را به صورت مکالمه بیان کرده است این است که معتقد بود کتاب به خودی خود گویا نبوده و تأثیری در افکار نمیکند و مثل سقراط بر این عقیده بوده که علم هیچکس ولو از آن برخوردار باشد نمیتواند به دیگری اعطا کند بلکه حقایق همه در گنجینه خاطر مردم به حال کون موجود است و کار معلم اینست که شاگرد را متوجه این مکنونات سازد .

آثار افلاطون از جهت شیوه ادبی

آثار افلاطون در زبان یونانی از جهت فصاحت و بلاغت و لطافت و محسنات کلام دارای مرتبه ای عالی است و شاید هیچ اثر مشهور دیگری در آن زبان دارای این مقام نباشد . افلاطون را استاد حکمت اشراق میخوانند و حکمت اشراق سرچشمه اش ذوق و شور و عشق است بهمین واسطه نوشته های افلاطون در عین اینکه

آسنگ بدینح

نقراست بهترین اشعار میباشد چه میدانیم او قبل از آشنائی با سقراط و شاگردی او به شاعری مشغول بوده و در رسالاتش با آنکه همواره دم از عقل میزند در واقع عشق و ذوق را افاضه میکند و مولوی از آن جهت است که میگوید:

مرحبا ای عشق خوش سودای ما ای دوی جمله علت‌های ما
ای دوی نخوت و ناموس ما ای تو افلاطون و جالینوس ما

نوشته های افلاطون را میتوان به تأثیر یا رمانی تشبیه کرد که جامع محسنات و آرایش های صوری و معنوی است آثار وی ادیبانه، شاعرانه، عاشقانه، عارفانه و حکیمانه است که هم روح را لذت میبخشد هم نفس را ترقی میدهد و هم فکر را بخته مینماید.

افکار او هرچند همه صحیح نیست و لکن قابل تعمق میباشد آثار افلاطون نه از این جهت که چیزی به خواننده یاد میدهد بلکه از آن رو که فرد را متذکر و بیدار و متنبه میکند بسیار گرانبهاست.

محور مطالب مورد بحث در این رسالات سیاست و اخلاق است و افلاطون مطالبی از قبیل زیبایی عشق، دوستی، دین داری، تقوی، فضیلت، عدالت، شجاعت، لذت، تفریح، دروغ و غیره را از زبان شخصیت‌های رسالات خود مورد بحث قرار میدهد باین ترتیب که هر کدام از حاضران نظر خود را در باره تعریف این فضائل و مطالب بیان میکنند و غالباً افلاطون نظر خود را از زبان سقراط اظهار مینماید و گاهی سقراط فقط تعریف آنها را رد کرده نادانی و اشتباه طرفین مکالمه را برایشان واضح مینماید و خدشه ای بر اساس عقاید آنان وارد میآورد و خود نیز تعریف قاطعی برای مطلب ادا نمیکند و موضوع بدون بیان نتیجه رها میشود.

نام گذاری آثار افلاطون

رسالات افلاطون به سه ترتیب نامگذاری شده اند:

۱- از آنجا که این رسالات به صورت مکالمه است اغلب آنها به نام یکی از اصحاب گفتگو نامیده شده است رساله کریتون که در آن سقراط با دوستش کریتون در زندان صحبت میکند و رساله فیدون که باز سقراط در این رساله در روز آخر عمرش با فیدون راجع به بقای نفس صحبت میکند.

۲- بعضی از رسالات افلاطون نیز به مناسبت محل وقوع مباحثه نام گذاری شده مثل رساله مهمانی که حاصل مکالمات عده ای بر سر موضوع عشق در یک مجلس بزم و میگساری است.

۳- رسالاتی هم به مناسبت موضوع نام گذاری شده مثل رسالات سیاست سوفسطائی و مرد سیاسی و غیره اکثر اصحاب مکالمه از شخصیت های سیاسی و تاریخی یونان هستند و افلاطون طوری آن را با مهارت مینمایاند که هر کدام در تمام طول رساله شخصیت و خصوصیات اخلاقی خود را حفظ میکنند در حالی که مطالب مکالمه پرداخته افکار خود افلاطون است.

گویند از او ۱۱ رساله و تعدادی نامه در دست هست که ۲۹ رساله آن به اتفاق آراء محققین از خود افلاطون است و در مورد بقیه نظریات متفاوتی موجود میباشد از جمله رسالات افلاطون میتوان رسالات زیر را مورد نظر قرار داد.

رساله دفاعیه سقراط

در این رساله ما حاصل بیان سقراط اینست که " ای اهل آتن شما مردمانی نادان و گمراه هستید و منم هم مانند شما نادانم اما این تفاوت را با شما دارم که به نادانی خودی برده ام. (تا بدانجا رسید دانش

آهنگ بدیع

من - که بدانم همی که نادانم (و اکنون برانگیخته شده ام که شما را به نادانی خودتان متذکر نمایم که به راه خطا نروید و فکری برای اصلاح حال خود بکنید " باز سقراط ضمن این خطاب میگوید :
" از مرگ نباید ترسید زیرا مرگ اگر نعمت نباشد مصیبت نیست و بعد نسبت به اشخاصی که از ترس محکوم شدن تضرع و زاری میکنند میگوید " گوئی این اشخاص چنین می بندارند که اگر در محکمه محکوم به اعدام نشوند هرگز نخواهند مرد و زندگی جاوید خواهند داشت .
اتوفرون یا دینداری

در موقع محاکمه سقراط به جرم بی دینی اتوفرون هم که گاهی دیندار بود برای اقامه دعوی علیه پدرش به جرم تنبیه و کشتن يك مردور قاتل به محکمه آمده بود و سقراط از شهادت اتوفرون علیه پدرش تعجب میکند و به او میگوید اتفاقاً منم متهم به بی دینی هستم و تو که کاهن و دینداری به من بگو که دینداری چیست؟ همچنین به اتوفرون میگوید خواهش دارم آن صفت را به من بشناسانی که بتوانم آن را بنظر بگیرم و میزان سنجش قرار دهم و هرچه را که تو یا دیگری میکند با آن میزان اگر موافق است دینداری بدانم و اگر مخالف است بی دینی بخوانم و بالاخره ضمن این مکالمه سقراط باشیوه مخصوص خود اتوفرون را متذکر میکند که تعریف و معنای صحیح دینداری را نفهمیده است .

میهمانی

این رساله عبارت است از شرح يك مجلس بزم و میگساری که در آن حاضرین پس از خستگی از بی موسیقی در باره عشق صحبت میکنند و هر کدام سخنی در مدح عشق و خدای عشق میگویند و اما آنکه سقراط میگوید حکایتی دیگر است او میگوید " عشق فرزند دو خدای چاره جوئی و تهیدستی است مثل مادرش رنگ بریده و تهیدست است و مثل پدرش گستاخ و نیرومند و چاره جوئه خردمندی کامل دارد و نه کاملاً نادان است مثل فیلسوف که نه دانشمند است و نه نادان و جویا و دوستدار دانش است حقیقت عشق اینست و مبالغه در فضائل عشق گزافه گوئی است . " و حاضران در حال مکالمه هستند که جوانی از هواخواهان سقراط مست وارد مجلس میشود افلاطون از خلال گفته های این جوان فضائل و خصائص و قدرت بیان سقراط را میستاید .

این رساله از لحاظ هنر نویسندگی عالی ترین اثر افلاطون است در این رساله است که افلاطون شوخی و جدی بلاغت ظاهر و دقت و فکر و شاعری و حکمت را بهم آمیخته است .

جمهوریت

جمهوریت افلاطون از معروفترین کتب اوست که در ضمن شاهکار او شمرده میشود و میتوان گفت که مشتعل بر کلیه فلسفه ادبی است . اهمیت این کتاب بیشتر از نظر تحقیقات فلسفی آنست .

قوانین

قوانین آخرین اثر عظیم افلاطون است که به صورت سلسله از اواباقی مانده و تنها کتابی است از افلاطون که در آن ذکری از سقراط نیست و افلاطون گوئی از زبان خود سخن میگوید يك فصل مهم این کتاب راجع به الهیات است و افلاطون در آن فصل در واقع حکمت الهی را تأسیس نموده و به یگانگی مبداء کمال و صانع مدرك مرید تصریح نموده است . خدمتی که افلاطون به عالم انسانی کرده در حکمت طبیعی

سنگ تراش ژاپونی

ترجمه از آثار اداوارداگر

مردی همه روزه از کوه سنگ می کند . کاری دشوار داشت . رنج فراوان می برد و مزد ناچیز می گرفت .
از آن شغل جانفرسا خرسند بود . یکروز آهی کشید و گفت : " بسروردگارا چه میشد اگر مرا نیز توانگر می ساختی تا می توانستم در تخت روان زیبا زیر برده های حریر سرخ بنشینم ."

فرشته ای از آسمان فرود آمد و گفت : " آرزوی تو مستجاب شد . سنگ تراش توانگر گشت و در تخت روانی زیبا زیر برده های حریر سرخ

نشست .

قضا را شهریار کشور از آنجا گذر کرد . سوارانی چند از پس و پیش گردوشه اش در حرکت بودند و چتری زرین سر تاجدارش را از گزند خورشید در امان میداشت .
از تماشای موکب شاه در دل مرد توانگر آرزوی چتر زرین و گردونه شاهی بدید آمد . باز آهی کشید و گفت : " کاش که شاه بودم ."

باز فرشته از آسمان فرود آمد که " آرزویت بر آورده باد ."
شاه شد . سوارانی چند از پس و پیش گردونه اش در حرکت بودند و چتری زرین سر تاجدارش را از گزند خورشید در امان میداشت .

اما زمین از تابش مهر میگذاخت سبزه در چمن میسوخت و روی شاه آزرده میشد . از نیروی مهر دیگ حمدرش بجوش آمد . باز بحسرت آهی کشید که : " ای کاش خورشید میشدم "

فرشته لوله آسمانی بزرگ تو آمدنکه می کند خورشید را با شعله اش . رنج فرشته خورشید شد ناچیز و زیر کله تراست و چپ هر سو نور آشنایی کرد . اشعه تابناکش سبزه چمن را میسوخت و سرور شاهان را آزرده میساخت . " بسروردگارا جد مینامانم تا گمان از تو می گویم او خیرترین خیرند استند یگر خیرهای آسمانند .
برده های حریر سرخ بنشینم ."

فرشته ای از آسمان فرود آمد و گفت : " آرزوی تو مستجاب شد . سنگ تراش توانگر گشت و در تخت روانی زیبا زیر برده های حریر سرخ

نشست .

قضا را شهریار کشور از آنجا گذر کرد . سوارانی چند از پس و پیش گردوشه اش

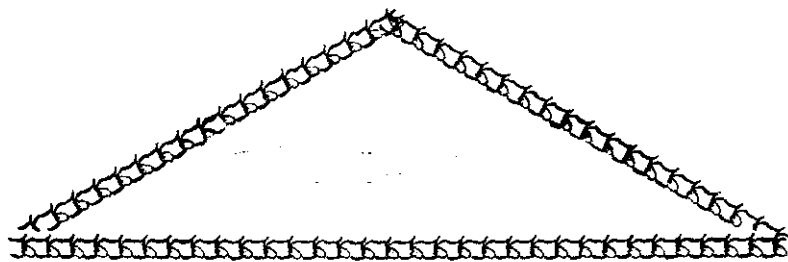
دانشنیها

- ۱ - دعوت مفصلین اداری به جلسات عمومی بهائی جائز میباشد یا خیر؟
به نص صریح حضرت ولی امرالله جایز نیست .
- ۲ - محل ساختمان مقام اعلی را در کوه کرمل اول بار چه کسی تعیین فرمود؟
اول بار به اشاره جمالقدم محل آن تعیین شد .
- ۳ - روضه مبارکه در کجا واقع شده و چه اهمیتی دارد؟
روضه مبارکه در خارج شهر عکا واقع شده و قبله گاه اهل بها میباشد .
- ۴ - کتاب ظهور الحق چه نوع کتابی است و مؤلف آن کیست؟
کتابی است در باره تاریخ امر مبارک و مؤلف آن جناب فاضل مازندرانی است .
- ۵ - انتخاب اعضای بیت العدل اعظم الهی در چه سنه ای تجدید خواهد شد؟
رضوان ۱۲۵ بدیع مطابق با ۱۹۶۸ میلادی
- ۶ - موازین ادراک را نام ببرید؟
 - ۱ - میزان حسی ۲ - میزان عقلی ۳ - میزان نقلی ۴ - میزان تأییدات روح القدس که سه میزان اولی ناقص بوده و فقط میزان تأییدات روح القدس کامل است و مقام یقین در آن حاصل میشود .
 - ۷ - در خاتمه نقشه نه ساله بیت العدل اعظم الهی تعداد محافل روحانیه ملیه به چند محفل بالغ خواهد شد؟
به ۱۰۸ محفل ملی یعنی نه برابر عده محافل ملیه در بدایت نقشه دهساله .

نیست بلکه او مدرس حکمت الهی و استاد فلسفه نظری و راهنمای مسلک اشراق و رهبر رموز منطق و خطابه و آموزگار اخلاق و سیاست و شور انگیز محفل روحانیان و نماینده حقیقت عشق و هادی عقل بسوی ادراک مجرد آن و افصح بلغای یونان است .
او معترف سقراط و مری ارسطو است در باره اش آنقدر هست که نه در حوصله مقال است و نه در توانائی نویسنده .

(از کیوان بهی زاد)

عالم طبیعت تماشاخانه صامتی است که صحنه آن نمایشگاه العباب عجیبه است دیده عبرت تماشاچیان آنرا محصور بسه طائفه یابد طائفه نادان و پلید در آن مرسح دلریا چندان مسحوره نظاره ملاعب گشته اند که از تفکر در عظمت لعب و مهارت لاعب هر دو بی خبرند و طائفه دیگر یعنی ضعیف همتان کوتاه نظر چشم محض را در عجائب بازی خیره داشته بازیگران ماهر را فراموش کرده اند در این معروضی بهت افزا حظ وافر و اوفی نصیب صاحب نظرانسی است که بصر علم و عقل را بسرمه تهنذب نفس حدید ساخته در پرده هر پرده صورتی از معنی صانع آن آشکار نبینند و از زبان لب فروبستگانی گویا هزاران نغمه دلنواز در نعمت و ثنای سازنده خود استماع نمایند .



اگر با این عقیده موافقت نمائیم که اولین آئین نوع بشر پرستش آفتاب بوده این پرستش متناسب با سن طفولیت او عین خداپرستی است چه قبل از پیدایش قوه عاقله آدمی محدود بحدود طبیعت است و سرچشمه افاضه نور و حرارت و قوه برقیه که مظاهر ثلثه سیاله اشیریه اند در محیط سیاره های سبعة این منظومه شمس چیزی جز آفتاب نیست .
(نقل از دیوان مصباح)